

Organization

سازمان

Pars

پارس

Overthrow
Committee

شورای براندازی



مرداد ماه ۳۷۴۶ جمشیدی
اوت ۲۰۰۸

گانه نامه
1€

شماره ۶۹
سال دهم



حکومت اسلامی در ایران محکوم به نابودی است و این مهم با همیاری و رزم فرزندان ایرانزمین به زودی عملی خواهد شد و پس از یک دوره انتقالی به ایرانی آزاد، آباد و سرافراز دست خواهیم یافت.



شورای براندازی

یگانه دستاویز برای براندازی



در دفتر کارم مشغول تهیه مطلبی در مورد **همبستگی ملت ایران** برای **براندازی و نابودی احشام** مذهبی حاکم در ایران بودم، نیم ساعتی بود که از کار مطب فارغ شده بودم و به مسئولیت اصلی خود یعنی **نجات ایران** و نبرد با مزدوران و قلم به مزدان و دشمنان ایران و ایرانی، می اندیشیدم.

با نگاهی به گذشته و حال و ترسیم آینده ایران، مطالب در ذهنم به من الهام می شد. شاید خدای ایرانزمین بار دیگر با فرزندانش یار شود و **سرنوشت سرزمین اهورایی مان** بدست **ایرانپرستان واقعی** رقم زده شود. عشق به میهن اهورایی که همواره مرا استوار نگاه داشته و در نبرد با **اهریمنان کژاندیش** و دشمنان ایرانزمین مرا یاری نموده است، اکنون در قلب صدپاره من طوفانی بنیان برافکن برپا ساخته است که همه دشمنان ایرانزمین را نابود خواهد ساخت.

نیل به ایرانی آزاد، آباد و سرافراز و پیروزی فرزندان ایرانزمین بر **اهریمنان ضد ایران و ایرانی** در ذهن ما چنان سرمستی، شوق و افتخاری بر می انگیزد که ما را بیشتر و بیشتر مصمم می سازد که در پیکار و مبارزه علیه آنان دمی آسوده نیارامیم. **دشمنان ایرانزمین** و مزدوران آنان در ستون پنجم به نام اپوزیسیون با **هماهنگی بیگانگان** از جمله آمریکا، انگلیس و اروپا

فهرست

- ۱ **شورای براندازی یگانه دستاویز برای براندازی**
- ۲ **حکومت سوسیال دموکراسی برای ایران**
- ۴ **علت فزونی احکام اعدام در جمهوری اسلامی**
- ۵ **همسویی میهنی**
- ۶ **معامله سلطنت نظریه تحقیقی از امیر فیض حقوقدان**
- ۱۱ **انقلاب مشروطه و دسیسه های انگلیس**
- ۱۸ **اوضاع ایران پس از انقلاب مشروطه**
- ۲۳ **قالیاف و نمایش مجدد انتخاباتی اسرائیل در ایران**
- ۲۴ **تلاش فراماسونری فرانسه برای تبدیل قالیاف به ناپلئون ایران**
- ۲۹ **خبرها**

ورنه کز فریدون و جم نامی نماند

کاهه ای باید تا خونین در فشی بر فرزند

استفاده می کنند کسانی هستند که با دشمنان ایرانزمین هم پیمان شده اند تا مسیر براندازی را منحرف کنند و اینان عناصر خائنی هستند که همواره در استمرار حکومت اسلامی فعال بوده اند.

سازمان پارس و شورای براندازی اعلام می دارد که هرگونه استفاده از نام براندازی که توسط اپوزیسیون ایراد می شود که بدون هماهنگی با این سازمان باشد، مردود اعلام می گردد.

دکتر آرمان نوری

رهبر جنبش سپید براندازی

مردادماه ۳۷۴۶ جمشیدی

حکومت سوسیال دمکراسی برای ایران



در سال ۱۹۸۷ اولین مصاحبه ای که به عنوان مسئول کابینه بحران ایران در خارج از کشور با صدای آمریکا انجام دادم در آن زمانی که گروههای گوناگون اپوزیسیون هرکدام از نوع رژیمی برای آینده ایران دفاع می کرد من در پاسخ روزنامه نگار که نظرم

را در مورد رژیم آینده ایران سؤال کرد گفتم که این ملت ایران است که باید برای رژیم آینده ایران تصمیم بگیرد.

همانطور که همه تلویزیون های جهان در ۱۳۵۸ نشان دادند که میلیون ها نفر در ایران به صندوق های رأی هجوم آورده و به رژیم پادشاهی و قانون اساسی آن پشت نموده و رأی به جمهوری اسلامی دادند در فردای بعد از این رژیم مذهبی هم این مردم هستند که باید برای سرنوشت سیاسی کشور خود مجدداً تصمیم بگیرند.

با گذشت زمان شاهد بودیم که اپوزیسیون ها هم یکی پس از دیگری به این نتیجه رسیده و امروز نوع رژیم آینده کشور را در دست مردم سرزمین ما می دانند.

در رژیم مذهبی مسلط به کشور گردانندگان عقیده دارند که ملت به بلوغ سیاسی نرسیده و برای او باید قیم به نام ولایت فقیه انتخاب کرد که به جای امام فرضی دوازدهم برای آنان

در روند استمرار حکومت پلید اسلامی همچنان فعال می باشند. از اینروست که در این آشفته بازار سیاسی - اجتماعی علیه مردم ایران، من آرمان نوری مسئولیت رهبریت جنبش سپید براندازی را به دوش می کشم و تا نابودی همه دشمنان ایرانزمین و رسیدن به ایرانی آزاد، آباد و سرفراز که حاکمیت مردم بر مردم در آن برقرار باشد، جان بر کف به رزم خویش ادامه می دهم.

هرچند دیرزمانی نیست که مردم ایران آگاه تر شده اند و ترفندهای حکومت دزد و قاتل اسلامی و ستون پنجم آن در اپوزیسیون و همچنین سخن پراکنی های رادیوها و تلویزیون های فارسی زبان لس آنجلس و کشورهای بیگانه بی تأثیر مانده است، ولی گهگاه مشاهده می شود که باز فرزندان ایرانزمین توسط آنان از مسیر میهنی خارج شده و جنبش براندازی را به بیراهه می کشانند. هرچند که روند اندیشه براندازی حکومت جبار اسلامی در ذهن هم میهنانم روز به روز فضای بیشتر را اشغال می کند و با آن جنبش براندازی سیر تکاملی خود را پیش می راند ولی باز هم افراد و مزدورانی هستند که در صدد فریب مردم ایران از نام براندازی و پیکار دیو برافکن روز قیام ملی که منجر به نابودی حکومت پلید و جبار اسلامی می شود استفاده کرده تا تدارکات شورای براندازی را لوث نمایند.

سازمان پارس و شورای براندازی که از فرزندان راستین ایرانزمین و پیکارجویان و مبارزان راه آزادی، آبادی و سرفرازی ایرانزمین می باشند، اجازه نخواهند داد که نام جنبش براندازی و تدارکات دیو برافکن روز قیام ملی توسط این مزدوران به بیراهه کشانده شود و استعمارگران امپریالیستی مذهبی غربی همراه با حکومت دست نشانده احشام مذهبی اسلامی در ایران همراه با اپوزیسیون ستون پنجم آنان بتوانند با دسیسه ها و خیمه شب بازی های گوناگون به نابودی ایران و ایرانی ادامه دهند.

در این میان می بایست هوشیار بود و عملکردهای دشمنان ایرانزمین را پیش بینی نمود و نیرنگ هایشان را خنثی و نقش بر آب ساخت. گروه ها، سازمان ها، احزاب و افرادی که در شورای براندازی عضویت ندارند در صورت استفاده از کلمه براندازی و تدارکات روز قیام ملی که مختص شورای براندازی می باشد، مزدوری خود را به دشمنان ایرانزمین ثابت نموده اند و در مقابل ملت ایران و شورای براندازی در آینده پاسخگو خواهند بود. ملت ایران، میهن پرستان و عاشقان ایران، بگوش باشید که جنبش براندازی تنها تحت رهبری من دکتر آرمان نوری دستور عمل های خود را به مبارزان راه آزادی ابلاغ می نماید و در غیر اینصورت کسانی که بدون حمایت من از کلمه براندازی

ورنه کز فریدون و جم نامی ماند

کاوه ای باید تا خونین درفش برافزاند

کارگران و لایه پایین جامعه شکل گرفت و در این راه تلاش فراهوشمندان جامعه ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۸۸۹ در دومین کنگره **اینترناسیونالیست سوسیالیست ها** با ابتکار Fredrich ENGELS نام **سوسیال دموکراسی** به این همکاری و جنبش اجتماعی داده شد که خود پایه جنبش های **مارکسیستی** قرار گرفت و بعدها این جنبش به کلی از افکار مارکسیستی خود رها شد تا در سال ۱۹۰۵ اندیشمندان فرانسوی **réforme رفرم** خاصی در آن ایجاد کرده و بنیاد **سوسیالیسم** را پی ریزی کردند ولی در جنگ بین الملل اول بحران شدیدی سوسیال دموکراتها را لرزاند زیرا اختلاف زیادی بین طرفداران و مخالفین جنگ ایجاد شده بود. در سال ۱۹۵۹ کنگره سوسیال دموکرات های آلمان هر نوع وابستگی با ایده های **مارکسیستی** را به کلی **باطل** اعلام نمودند و مبنای سوسیال دموکراسی بر این قرار گرفت تا برای رسیدن به قدرت در کشور باید مسیر انتخابات **دمکراتیک** و آزاد بر مبنای برابری و دموکراسی طی کرد و بر این پایه کشورهای اروپایی غربی و آمریکا رفرم های اجتماعی پیشنهادی را با نوع **انتخابات آزاد** پذیرفتند.

سوسیال دموکراسی مبتنی بر یک **فرهنگ سیاسی** است که پلورالیسم سوسیال pluralisme و دفاع از مدراسیون modération را با حکومت لائیسیته laïcité خواهد داشت که حقوق بشر سرلوحه آرمان آنان می باشد و از نظر قوانین مدنی و اقتصادی بر روی **برابری و آزادی** قرار دارد و به این ترتیب به باور من سوسیال دموکراسی راهی است که با آرامی روزگارنا در می نوردد و در همه جهان گسترده خواهد شد زیرا شاهراه های ارتباطی و آگاهی ها از آزادی و رهایی از خودکامگان به وسیله **اینترنت** روز به روز بیشتر می شود.

اما آن نوع سوسیال دموکراسی که من به آن برای حکومت ایران آرزو دارم بر پایه **سوسیالیسم جهانی** است که باید رفرم هایی در آن به وسیله فراهوشمندان و اندیشمندان ایرانی به عمل آید به نحوی که با **شرایط اجتماعی، سنن ملی و باورهای تاریخی** ما هماهنگی داشته باشد. با مدرنیته کردن اجتماع و تکنولوژی پیشرفته در همه امور موافقیم ولی با کپی کامل از سیستم پذیرفته غربی (غرب زدگی) occidentalisation و **قبول کورکورانه** آن مخالفیم زیرا این تقلید چشم بسته بدبختی می آفریند و مردم را که از باورهای ریشه ای خود جدا کنیم سرخورده شده و ناله های مردم به فریاد تبدیل شده و **انقلاب** پیش می آید همانطور که در ۱۳۵۷ ناظر آن بودیم.

تصمیم بگیرد و در **اپوزیسیون** خارج از کشور هم معدودی انگشت شمار هستند که آنان هم با نوستالژی گذشته نوع رژیم آینده ایران را از پیش تعیین کرده و همانند مذهبیین شاید این باور را دارند که مردم ایران هنوز **هوشمندی لازم** را برای انتخاب رژیم کشور ندارند که به نظر من این بی احترامی و توهینی به مردمی است که در داخل کشور قریب سی سال است که در چنگال خونین **اسلام ناب محمدی** گرفتارند.

این **عالی جنابان خارج از کشور** در غرب و به خصوص آمریکا که آزادی بیان و آزادی ابراز عقیده مذهبی - سیاسی اجتماعی و ... در سیستم **دموکراسی** وجود دارد اگر دگراندیشی نظر سیاسی خود را به غیر از آنچه آنان برای خود خیالبافی می فرمایند اظهار دارد با زشت گوئی و خارج از نزاکت از گوشه و کنار به او پرخاش می نمایند.

زمان آن رسیده که دیده باز کنند و حقایق را بنگرند. همانند گذشته من به عقیده خود ثابت مانده ام که رژیم آینده ایران را **ملت ایران** باید تعیین کند ولی نوع حکومتی را که به آن رأی خواهیم داد با بررسی هایی که انجام داده ام و به باورم مناسب ترین می باشد، **سوسیال دموکراسی** خواهد بود. توجه فرمایید که نوع رژیم به غیر از حکومت است.

در کشورهای اروپایی مانند هلند، سوئد، دانمارک، اطریش، فرانسه و غیره که دارای رژیم های متفاوت جمهوری یا **سلطنتی** هستند که اکثراً حکومت های **سوسیال دموکرات** دارند و در دهه ۱۹۹۰ از ۱۵ کشور اتحادیه اروپایی ۱۱ کشور حکومت سوسیال دموکرات داشتند.

امروزه در گوشه و کنار گیتی **نسیم آزادی** ملت ها وزیدن گرفته که اوصول آزادی، برابری و عدالت را خواستارند و جهان به طرف **ورشکستگی** قدرت های زورگو و امپریالیست ها که بر روی سرنیزه و ارتش های خود نشسته و حکومت می کنند در حرکت است و این خودکامگان از خود بی خبر تصور می نمایند که همه درها را بسته و دیوارهای بلند و خط قرمز برای ستمدیدگان کشیده اند غافل از اینکه درهای اینترنت به روی جوانان محروم و تشنگان آزادی و برابری باز است، باید **خودکامگان** به هوش آیند که در تاریکی دور دست خطری برای آنان هویدا است و جهان به سوی سوسیال دموکراسی نوعی که رفرمیست ها از آنچه ابتدا بود تغییرش دادند و بصورت **مدرن** درآورده اند پیش می رود.

در سال ۱۸۴۸ که جوشش مردم برای آزادی و برابری حرکت صعودی را طی می کرد پایه های قراردادهای اجتماعی **دمکراتیک** در **فرانسه** پی ریزی می شد که یک همکاری بین

علت فزونی احکام اعدام در جمهوری اسلامی، ضعف و شکنندگی رژیم است!

جابر کلیبی

djaber_ka@yahoo.ca



رژیم اسلامی بار دیگر جان گروهی از انسان ها را گرفت. روز ۲۸ ژوئیه، ۲۹ نفر تحت عنوان «**اشرار**»، «**قاچاق مواد مخدر**»، «**سرقت مسلحانه**»، و ...، در زندان **اوین** به چوبه اعدام سپرده شدند. به این

ترتیب جمهوری اسلامی، پس از کشور چین، **رکورد اعدام** در جهان را شکسته است. در بسیاری موارد رژیم با استفاده از این اتهامات نامشخص **مخالفان سیاسی** خود را از بین برده است، زیرا تنفر وسیعی که در سطح جهان نسبت به **دستگیری، شکنجه، زندان و اعدام مبارزان سیاسی** در ایران وجود دارد، رژیم را به چنین ترفندهایی کشانده است. این اعدام ها زمانی انجام می گیرد که سازمان های حقوقی و مدافعان حقوق بشر در جهان به این احکام اعتراض کرده و خواستار لغو آنها شده بودند.

خبرنامه شیراز در این مورد می نویسد: یک منبع آگاه در یکی از دادسراهای تهران در رابطه با ۳۰ نفری که قرار است اعدام شوند گفت: این افراد از جمله کسانی هستند که سال گذشته به **جیره بندی بنزین** اعتراض کردند و به دلیل آتش زدن چند پمپ بنزین و به جرم تخریب اموال عمومی بازداشت شدند، اما اکنون به عنوان **اراذل و اوباش** و **قاچاقچی** پای چوبه اعدام می روند و حکومت برای جلوگیری از ایجاد واکنش های بین المللی، دلیل اصلی اعدام آنها را مخفی نگه می دارد.

محمد مصطفایی، وکیل پرونده متهمان و مجرمان نوجوان نیز در گفتگو با **دوپیچه وله** (راديو آلمان) در این باره گفت: آنگونه که من خبردار شده ام، این ها افراد خاصی هستند و عنوان اشرار به آن ها داده اند. تاریخ اعدام این ۳۰ نفر هم به روال **عادی** نیست. معمولاً چهارشنبه آخر هر ماه، دادسرای جنایی تهران اعدام ها را اجرا می کند، این ها قرار است روز یکشنبه اعدام شوند. اینها کسانی هستند که یا در دادگاه های انقلاب محاکمه شده اند یا در دادگاه های ویژه جرائم خاص. (خبرنامه شیراز، یکشنبه، ۶ مرداد ۱۳۸۷)

این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی مخالفان خود را به **اتهامات واهی** اعدام می کند و این را نیز همه مراجع بین المللی به خوبی می دانند ولی **کوچکترین اقدام جدی** علیه این آدم کشی ها، جز **اعتراض های خشک و خالی** و بدون پشتوانه عملی، نکرده اند.

مثال ساده ای بازگو کنم بعد از انقلاب خانم م که از فامیل مرفه ایران بود و با **اپوزیسیون مشروطه خواهان** در پاریس همکاری می کرد در شامی با یک خانواده فرانسوی دعوت شده بود داد سخن می داد که این **آخوندها** ایرانی نیستند و ریشه **عربی** دارند و با ملت ایران همبستگی ندارند ما در زمان شاه دموکراسی و آزادی کامل داشتیم ما مردمان مدنی بودیم و **پیشرفت** زیادی در همه امور داشتیم بطور نمونه می گوید: فامیل من و بیشتر دوستانمان در ویلاهای خود استخر داشتیم و در تعطیلات هفته در مهمانی های فامیلی و دوستان زن و مرد **برهنه** بدون مایو شنا می کردیم و هیچگاه ما چادر بسر نداشتیم. میزبان که از اتلکتوتل های چپی فرانسه بود و ایران را خوب می شناخت و بارها به ایران سفر کرده بود و مقالاتی بر علیه زندانیان سیاسی و ساواک و حکومت اتوریته ایران نوشته بود و در هنگام جشن های ۲۵۰۰ ساله تخت جمشید رپرتاژی از زاغه های جنوب تهران و حلبی آبادها منتشر کرده بود به خانم م می گوید بله خانم شما خیلی **مدرن** بودید زیرا در فرانسه پلاژ یا استخرهای **برهنگان nudiste** هست نه در همه جا و بخصوص بین خانواده ها بعلاوه مدنی شما تا این حد پیشرفت کرده بود که در جشن هنر شیراز روابط سکسی را در کنار خیابان و **جامعه سنتی ایران** به نمایش گذاشتید که ما به هیچ وجه در فرانسه و خیابان شانزه لیزه هم اجازه نخواهیم داشت. این نمونه ای از لجام گسیختگی **غرب زدگی کورکورانه** بود که به این روز افتاده ایم.

آن روز که **هوشمندی** و شعور اجتماعی و سیاسی به حدی برسد که به غیر از ما عقیده دیگری هم حق حیات دارد چپ و راست معتدل و افراطی از هر گروه به دور یک میز نشسته و دیالوگ برقرار نموده و به عقاید یکدیگر احترام بگذاریم و در اثبات نظر خود به جای ناسزاگویی دلایل منطقی ارائه دهیم **سوسیال دموکراسی** برقرار خواهد شد.

باید **آزادی و دموکراسی** را فراگیریم و برای اینکه توانا باشیم لازمه آن **دانا بودن و خردمند بودن** است.

به ایزد اگر ما خرد داشتیم

کجا این سرانجام بد داشتیم

ژنرال عقیلی پور

پاریس - اوت ۲۰۰۸

ضعف، سستی و شکنندگی روز افزون نظامی است که پاسخی برای **بن بست های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی** ندارد و تنها با اعمال **سرکوب و ترور** است که به حیات خود ادامه می دهد. اگر چنین رژیم علی‌رغم این همه نفرت و انزجار مردم و نارضایی وسیع اجتماعی در میان همه اقشار مردمی که در بسیاری موارد به **قیام های خود جوش** در مناطق مختلف انجامیده است، هنوز به حیات خود ادامه می دهد، علت آن را باید در نبود یک **اپوزیسیون جدی** و یک **آلترناتیو سیاسی انقلابی** جستجو کرد. همه چیز حاکی از آنست که چنین رژیم اصلاح ناپذیر است و **مدعیان اصلاح طلبی** در درون و برون رژیم رسالتی جز **حفظ** آن ندارند. **نظام سرمایه داری حاکم بر ایران**، به عنوان عنصری ارگانیک در نظام جهانی سرمایه داری، در افول تاریخی خود جز **ترور، خفقان، فقر، نابرابری و پلیدی** دست آورد دیگری برای انسان ها ندارد. تنها یک انقلاب اجتماعی که تمامیت این نظام سرمایه داری را زیر و رو کند و به جای آن یک **رژیم دموکراتیک شورایی** متشکل از تولید کنندگان جامعه را بنشانند، می تواند به این همه جنایت و سرکوب **خاتمه** دهد.

همسویی میهنی

مردم شریف و مبارز ایران :

تن های ما با هم تنها نیستند

ما احزاب، سازمان ها و گروه های ملی - میهنی، یگانه راه **نجات ایران** و مردم ایران را از سلطه جباران دستاربند حکومت اسلامی، **همسویی** ملت ایران در مسیر **براندازی** این عناصر ضد ایران و ایرانی می دانیم.

ملت غیور ایران، **صبر** و **انتظار** بس است؛ ما نباید به امید کمک خارجی برای رهایی از چنگال **اهریمنان مذهبی کژاندیش** و جانی که در مدت نزدیک به سی سال هرچه توانسته اند کشتار و شکنجه، ظلم و ستم بر ما روا داشته اند، باشیم. حکومت پلید اسلامی **ملاگریان**، توسط آمریکا، انگلیس، اروپا و اسرائیل به قدرت رسید و تاکنون مستقیم و غیرمستقیم **منافع** آنان را در منطقه از لحاظ **اقتصادی و سیاسی - استعماری** حفظ نموده است. **سیاست استعماری امپریالیستی مذهبی غرب** برای منافع خود از ابتدای به قدرت رسیدن **احشام مذهبی** در ایران با سناریوهای **رنگارنگ**، آنها را مستقیم و غیرمستقیم حمایت کرده است. در این روند جنبش های رهایی بخش مردم ایران توسط آنان **ضعیف** و **نامنسجم** گشته و در انتها به نتیجه نرسیده است و این حکومت شیاد، دزد و **قاتل مذهبی** همچنان به قتل و غارت

رژیم اسلامی از همان آغاز به قدرت رسیدن، شکنجه، اعدام، و **کشتار مخالفان** را در صدر برنامه های خود قرار داده است. در این میان، رژیم هیچ حد و مرز و قید و بندی نمی شناسد. در میان لیست **هزاران اعدامی** رسمی و کشتارهای بی شمار غیر رسمی، از هر قشر، طبقه و گروه اجتماعی یافت می شود: **کارگر، معلم، دانشجو، فعال کرد، عرب، آذری، بلوچ** و ...

در عین حال اقلیت های مذهبی و اقلیت های اجتماعی نیز از شکنجه و زندان و اعدام رژیم در امان نمانده اند: **بهایی، مسیحی، سنی، درویش، همجنس گرایان** و ...، حتی **شیعه های ناراضی** را به بهانه های گوناگون و دلایل واهی و به صرف این که تفسیر دیگری از اسلام دارند، به **مسلخ** کشیده اند. این بیدادها در جامعه ای جریان دارد که **فقر، اعتیاد، مرض و بی خانمانی** از خصوصیات اصلی آنست. نزدیک به ۳۰ سال استبداد اسلامی جز تشدید سرکوب، کشتار، گسترش فقر و تعمیق و توسعه **اختلاف های طبقاتی و اجتماعی و ورشکستگی** کامل اقتصادی، برای مردم زحمت کش ایران چیزی به ارمغان نیاورده است.

همه این جنایت ها نشان می دهد که رژیم جمهوری اسلامی در عین حال که روز بروز **منفردتر** و **منفردتر** می شود، به همان نسبت **هارتر** و **خشن تر** نیز می گردد و برای ادامه حیات خود راهی جز تشدید ترور و **خفقان** ندارد. این رژیم می کوشد بر بحرانی که سر تا پای آن را، در همه زمینه ها فرا گرفته است، با **بحران های دیگر** و ایجاد **جو مصنوعی** و ادعاهای پوچ و بی پشتوانه از یک طرف و عمومی کردن شکنجه و اعدام، فایق آید. با این همه، اگر تا مدتی ترور و سرکوب می تواند **ترس** و **وحشت** ایجاد کند و باین ترتیب **مبارزات مردم** را تضعیف نماید، اما هنگامی که **ترور و اختناق** عمومیت یابد و از حد معمول بگذرد آنوقت تبدیل به عاملی منفی برای حیات رژیم می گردد. این وضعیت هم اکنون در ایران در حال تکوین است و **جرأت و شهامتی** که **توده های مردم، کارگران، معلمان، دانشجویان و فعالان سیاسی** در مقابل ترور و سرکوب رژیم از خود نشان می دهند، **بیانگر شکسته شدن جو رعب و وحشت در جامعه و آغاز فرو پاشی رژیم اسلامی** است.

هنگامی که **امجدیان** دادستان **سنندج** به **مهرداد کمانگر**، برادر فرزند کمانگر، **معلم مبارز** کرد که مدت هاست زیر شکنجه دژخیمان رژیم قرار دارد و محکوم به **اعدام** شده است، با وقاحت و بی شرمی بی نظیری می گوید: «هر وقت برادرت را کشتیم به شما خبر می دهیم!» دیگر سخن از یک رژیم مسلط بر اوضاع نمی توان راند. رژیمی که در برگزاری سالگرد شاعر و نویسنده ای چون **احمد شاملو** مرگ خود را می بیند و به فجیع ترین شیوه از تجمع مردم بر مزار او جلوگیری می کند، چنین رژیمی در **استیصال کامل** بسر می برد. این ها همه نشانه های

ورنه کز فریدون و جم نامی نماند

کاوه ای باید تا خونین درفش بر فرازد

امضاء کنندگان : سازمان زنان مبارز ایرانزمین، سازمان دانشجویان مبارز، حزب سوسیال ناسیونالیست ایران، حزب میهن پرستان ایران، حزب سوسیال دموکراسی نهادینه در ایران، حزب آرمان گرایان مشروطه خواه، سازمان نهاد فر ایزدی، حزب پیکارگران کمونیست، گروه پیکارگر سربازان پارسی.

مرگ بر دشمنان ایرانزمین

تیرماه ۱۳۸۷

معامله سلطنت نظریه تحقیقی از

امیرفیض حقوقدان

سازمان پارس و شورای براندازی مطلبی که توسط استاد امیرفیض مدیر مسئول نشریه سنگر که یکی از پایگاههای سلطنت طلبان محسوب می شد، نوشته شده است را انتخاب نموده تا فرزندان ایرانزمین به حقانیت افشاگری هایی که به مدت ۱۰ سال توسط ما بیان شده ایمان بیاوردند و بدین وسیله بر خیانت رضا پهلوی و فرح دیبا مهر تأیید زده شود.

موضوع این تحقیق

امکان معامله سلطنت و تداوم آن از سوی اعلیحضرت با

جمهوری اسلامی

مآخذ تحقیق

- ۱- مصاحبه ای اعلیحضرت در طول ۲۷ سال گذشته
- ۲- ملاحظه سیر تحولات تداوم سلطنت و قانون اساسی و مبارزه اعلیحضرت
- ۳- اعلامیه های اعلیحضرت و اظهارات شخصیت های وابسته به دبیرخانه و مشاورین اعلیحضرت
- ۴- اظهارات اعلیحضرت فرح پهلوی
- ۵- ملاحظه تطبیقی گفتار و کردار اعلیحضرت با ضوابط امان نامه های جمهوری اسلامی

ملاحظات وابسته

در این لایحه خلاصه و نتیجه نظریه ای که در راستای تحقیق به آن رسیده ام ارائه می شود و به نظر لازم نمی آید که به ذکر جزئیات و تشریح دلایل و مآخذ و قرائن و امارا که فصل مفصلی را نیاز خواهد داشت پرداخت گردد.

ایران و ایرانی ادامه داده است. در این مدت نیز مشاهده شده است که اپوزیسیون ستون پنجم هم در مسیر ناامید کردن مردم تا توانسته است آب در آسیاب دشمنان ایران ریخته است. البته نباید عملکرد ضد ایران و ایرانی رادیوها، تلویزیون ها و جراید بیگانه به زبان پارسی یا زبان های دیگر را نادیده گرفت. آنها پس از تجربه نزدیک به سی سال ثابت نموده اند که عناصری مزدور و ضد ایران و ایرانی می باشند. با ترکیبی که بیان شد سیاست استعماری امپریالیستی مذهبی غرب با خیمه شب بازی ها و تبلیغات و سناریوهای گوناگون و رنگارنگ با همکاری عناصر خائن به اصطلاح ایرانی، درخت اقتصادی جهان غرب را با خون جوانان ایرانزمین در روند چپاول نفت و گاز و ثروت و سرمایه سرزمین اهورایی آبیاری کرده اند.

ملت ایران بیدار شوید!

ما احزاب، سازمان ها و گروههای میهن پرست با هدف براندازی جنایتکاران و حکام پلید اسلامی در ایران، پیوند خود را با سازمان پارس و شورای براندازی به رهبری رادمرد بزرگ ایرانزمین دکتر آرمان نوری اعلام می داریم.

سوگند به ایزد نیکخواه ایرانزمین که تا آخرین قطره خون به مبارزه و پیکار تا براندازی اهریمنان کژاندیش ضد ایران و ایرانی ادامه خواهیم داد. ما مبارزان میهن پرست درون مرز و برون مرز، عملیات تهاجمی خود را علیه دشمنان داخلی و خارجی ایران آغاز نموده ایم و این پیکار تا نابودی تمامی آنان ادامه خواهد داشت. ما تقاضا داریم که همه ملت ستمدیده ایران به ما بپیوندند تا با نیروی عظیم همبستگی ملی - میهنی دشمنان ایرانزمین را با همیاری یکدیگر نابود سازیم و پس از آن به یک روند حاکمیت مردم بر مردم در یک جامعه دموکراتیک و مردمگرا نایل آییم.

مردم مبارز و میهن پرست اکنون زمان آن رسیده است که به پا خیزیم و با نیروی عظیم همسویی خودمان در مسیر براندازی، حکومت ملایان را سرنگون سازیم. ما ملت ایران دیگر اجازه نخواهیم داد که میهن اهورایی مان توسط نظرتنگان، سوداگران و سودجویان خارجی به وسیله مزدورانشان در ایران اداره شود و از نهاد شاه و شیخ مدد بگیرند و فرزندان ایرانزمین را به خاک و خون بکشند. فراموش نکنیم که ما ایرانی هستیم و می توانیم با از خودگذشتگی و شجاعت، ایران آزاد، آباد و سرفراز را به چنگ آوریم.

زیر تیغ جمهوری اسلامی بودند جمهوری اسلامی احساس تهدید جدی از جانب آنها نمی کرد و تنها مضعی که حقیقتاً سبب نگرانی و وحشت سران جمهوری اسلامی بود، تداوم مشروعیت سلطنت بود که هم ریشه ای محبوب در ایران داشت و هم سنت و فرهنگ ایرانی و حقوق اسلامی مشروعیت تداوم آن را تأیید و حمایت می کرد و به قول سران جمهوری اسلامی رژیم سلطنتی ایران با ریشه ای ۲۵۰۰ ساله را نمی توان در چند سال خشکاند.

اما این موضع (مقصود موضع سلطنت است) وقتی کارآمد و اپوزیسیون واقعی جمهوری اسلامی شناخته می شد که ولیعهد در نقش پادشاه و قانون اساسی در راستای تداوم مشروعیت جایگاه حقوقی و مشروعیتی خود را حفظ می کرده.

اعلیحضرت این موقعیت بسیار باارزش را با اتیان سوگند نهم آبان رسماً اعلام فرمودند و با مصاحبه های مکرر و تأیید و تأکید بر حقانیت سلطنت و تکلیف و وظیفه تاریخی خودشان به عنوان پادشاه قانونی ایران و اینکه تنها راه نجات ایران سلطنت و گرد آمدن زیر چتر سلطنت و قانون اساسی است، موضع سلطنت را در براندازی جدی و فوری جمهوری اسلامی به تصویر کشیدند و اعلام اینکه «امیدواریم براندازی رژیم جمهوری اسلامی بیش از ۷۲ ساعت به طول نینجامد» (مصاحبه جنوب فرانسه) بشارت داد که سلطنت طلبان به رهبری پادشاه حرکت سیاسی براندازی جمهوری اسلامی را آغاز کرده اند.

از یک طرف، تشکیل سازمان های سلطنت طلب که عموماً بر پایه براندازی جمهوری اسلامی و تبعیت از بیانات و سوگند پادشاه، شکل گرفته بود و از طرف دیگر عدم احاطه شورشیان به کشورداری خاصه کسب اطلاعات و عدم تمکین عشایر و امثال آنها «به اصطلاح» کک به دامان سران جمهوری اسلامی انداخت و جمهوری اسلامی بر سر دوراهی قرار گرفت یعنی یا باید ترور پرونده تداوم سلطنت را مختومه می کرد و یا کاری می شد که اعلیحضرت از سوگند سلطنت اعراض و به یک شهروند عادی مبدل شوند.

شهادت تیمرمن

آقای «کنیس تیمرمن» که معروف حضور ایرانیان خارج از کشور است (کسی که مدتی با دبیرخانه همکاری داشت و موافقتنامه خود مختاری کردها را به تأیید اعلیحضرت و منوچهر گنجی رسانیده البته که اعلیحضرت بعداً به مناسبت اعتراضات وارده از موافقت نامه مزبور عدول فرمودند).

اینجانب به هیچ وجه مقید به پافشاری در اصالت نظریه ای که ارائه شده است نیستم و بسیار مایلیم که اهل تحقیق با ارائه توضیحاتی نظریه مرا مردود و مانع جا افتادن آن گردند. زیرا عقیده دارم که نظر تحقیقی، به هر حال نظر است نه حکم قطعی و «نظر را هم پر کاهی از پریدن باز می دارد»

اما اگر نظریه تحقیقی اینجانب در چهارچوب باورهای خوانندگان این نظریه قرار گرفت، من و خودشان را به مناسبت اشتباه در برداشت های تصویری و باوری گذشته ببخشایند.

مسیر تحقیق

من در راستای تحقیق به دنبال این پاسخ کشیده شدم که:

چرا اعلیحضرت از سوگند سلطنت عدول فرمودند؟

متوجه شدم که پاسخ منطقی به پرسش مزبور هنگامی ممکن است که قبلاً سؤال زیر به جواب تحقیقی برسد، سؤال مزبور چنین است:

آیا والا حضرت رضا پهلوی ولیعهد در نهم آبان ماه ۱۳۵۹ با قصد و نیت حفظ تداوم سلطنت و قانون اساسی و استفاده کردن از آن برای نجات ایران سوگند یاد فرمودند یا خیر؟

نظریه تحقیقی در رابطه با سؤال بالا

تحقیق و نظر اینجانب که بر اساس مآخذ ذکر شده رشد و تکامل یافته چنین است:

متأسفانه، والا حضرت ولیعهد رضا پهلوی با قصد و نیت حفظ تداوم سلطنت و تداوم قانون اساسی و استفاده از آن برای ایفای رسالت تاریخی (نجات ایران و هویت تاریخی) اعلام قبول تصدی سلطنت نفرموده اند. هدفشان از سوگند سلطنت، قرار گرفتن در موقعیت سلطنت بود که جمهوری اسلامی را نگران و زمینه را برای معامله جمهوری اسلامی بر سر تداوم سلطنت (ادعای سلطنت) مهیا سازد.

توضیح تشریحی

تصور نمی شود که تشریح این حقیقت نیاز باشد که مواضعی که سبب نگرانی شورشیان ۵۷ و سران آن بود (در سالهای نخست) یکی تداوم مشروعیت سلطنت و دیگری فعالیت های مجاهدین خلق بود.

مجاهدین خلق به مناسبت جنگ عراق و نفرت عمومی مردم ایران و همچنین به واسطه اینکه افراد مجاهدین در بند و

مگر نه این است که نگه داشتن افراد در موقعیتی خاص یا ناشی از قرار و مدار و معامله و یا زور و یا مسائل عاطفی است. به مظهر این تحقیق اظهار نظر علی فلاحیان مبنی بر نگه داشتن رضا پهلوی در بازی مورد نظرش ناشی از قرار و معامله است نه زور و یا مسائل عاطفی.

به کلامی دیگر اظهارات علی فلاحیان به تیمرمن و ملاحظه روند فعالیت های سیاسی اعلیحضرت این نشانه ها را می دهد مه خط مشی ای که اعلیحضرت به عنوان یک شهروند عادی دنبال می فرمایند منطبق با برنامه و خواست و هدف جمهوری اسلامی است و مقاومت ایشان در حفظ روش مورد انتظار جمهوری اسلامی ناشی از معامله سلطنت و تعهدات ناشی از آن است.

۲- چگونه ممکن است جمهوری اسلامی میلیون ها ایرانی سلطنت طلب را بی اثر در مبارزه نماید.

تربیت و عادت و فرهنگ اجتماعی ما ایرانیان نشان می دهد که با بی اعتبار ساختن رأس هرم یعنی شاه و سلطنت، بطور طبیعی و جدی بی اثر بودن طرفداران شاه و سلطنت حتمی است، « سر که افتد، بدن افتاده است » سیاستی که خمینی نسبت به شاه و سلطنت در پیش گرفت.

قاعده اجتماعی و فرهنگی ما ایرانیان این است که هرکس خلف وعده کند تا چه رسد که سوگند خود را زیر پا گذارد، بی اعتبار، بی خاصیت و از زمره مردان خارج می گردد.

تنها راه منحصر به فرد بی اثر نمودن مبارزه ایرانیان و متلاشی ساختن آنها، بی اعتبار کردن اعلیحضرت بود که قائمه و مرکز ثقل مبارزه ضد رژیم را بر دوش داشت و یگانه راه بی اعتبار و بی اثر ساختن اعلیحضرت عدول و اعراض ایشان از سوگند سلطنت و تبدیل شدن به یک شهروند عادی محتاط بود که به نظر می رسد که معامله سلطنت جمهوری اسلامی، اعلیحضرت را در مسیر اجرای دلخواه جمهوری اسلامی قرار داد، آن هم به کیفیتی که خودشان را قهرمان آن دگرگونی عظیم معرفی کردند. آیا باورکردنی است که این دگرگونی عظیم، رها کردن تدوام سلطنت، نابودی مبارزه سلطنت طلبان، آرامش جمهوری اسلامی از جبهه سلطنت که تنها نیروی منسجم، قانونی و آشنای مردم با پشتوانه سازندگی و رفاه و امنیت بود بدون عوض و معامله باشد.

۳- در اظهارات فلاحیان به تیمرمن ملاحظه کردید که او پیرو صحبت راجع به رضا پهلوی می گوید : « وانگهی ما منابع خودمان را داریم »

تیمرمن در صفحه ۹۶ کتابش زیر عنوان « شمارش معکوس » از گفتگوی خودش با علی فلاحیان وزیر اطلاعات رژیم اسلامی (آدمکش معروف) شهادتی داده است که به استحکام نظریه تطبیقی حاضر کمک می کند.

متن انگلیسی

Ansari said he was willing to help the Islamic Republic the assest of former shah, if they would help him to defend himself against Reza's lawsuit.

Fallahian just smiled. We have ti keep this boy Reza in the game, he thought. Much better than sending a hit team to dispatch him. Keep him in the game and let him neutralize the others, besides, we have out sources.

ترجمه - انصاری (احمدعلی مسعود انصاری) گفت (مقصود به فلاحیان است) او مایل است به جمهوری اسلامی در دستیابی به دارایی های مخفی شاه سابق کمک کند مشروط بر اینکه جمهوری اسلامی او را در دعوی علیه رضا پهلوی کمک کند.

فلاحیان همان موقع خندید و گفت ما باید رضا پهلوی را در این بازی که افتاده نگه داریم. این خیلی بهتر است که یک تیم بفرستیم تا او را نابود کنیم. در همین بازی او را نگاه می داریم و می گذاریم تا که او بی خاصیت شود. وانگهی ما منابع خودمان را داریم.

تفسیری کوتاه بر اقرار علی فلاحیان

علی فلاحیان (بخوانید جمهوری اسلامی) برنامه جمهوری اسلامی را علیه رضا پهلوی بطور سربسته و مختصر برای تیمرمن چنین بازگو می کند :

۱- به جای ترور، او را در همین بازی که هست نگه می داریم و می گذاریم تا دیگران را بی اثر و بی خاصیت کند. وانگهی ما منابع خودمان را داریم.

این کدام بازی است که جمهوری اسلامی خود را قادر به نگه داشتن رضا پهلوی در آن می داند و تمایل خود را به ادامه آن بازگو کرده است؟

اگر بین رضا پهلوی و جمهوری اسلامی ارتباط و یا پیوند قراردادی و یا عاطفی وجود نداشته باشد چگونه جمهوری اسلامی با اطمینان با تیمرمن می گوید او را در همین بازی که هست نگه می داریم.

نداشتیم که پشت اعلام بی اعتباری قانون اساسی و اعراض از سوگند پادشاهی، معامله بر سر سلطنت با جمهوری اسلامی است که اعلام مراتب فوق از شرایط معامله است.

اعلیحضرت در مسیر امان نامه

در سال های ۶۰ که ایرانیانی از جمهوری اسلامی درخواست امان نامه می کردند، سه شرط را متقاضی باید قبول می کرد. شرط نخست، محکوم کردن شاهنشاه ایران و خاندان پهلوی بود.

شرط دوم، به رسمیت شناختن انقلاب ۵۷، شرط سوم اینکه در اقدامات براندازی جمهوری اسلامی، مشارکت ننماید. البته بنا به مورد و شخصیت متقاضی امان، تعهدات دیگری نیز مطرح می گردید از جمله انجام مصاحبه و یا نوشتن کتاب علی شاهنشاه ایران و امثال آنها. در کمال تأسف اعلیحضرت در معامله بر سر سلطنت مسیر تعهدات و شروط امان نامه جمهوری اسلامی را در کمال وضوح طی فرمودند.

شاهنشاه ایران را محکوم فرمودند و جمله معروف ایشان به اینکه « به خاطر ۴۰ نفر ۴۰ میلیون سوختند که من هم یکی از آنها هستم » تقبل شرط اول معامله بود. در آن زمان، سلطنت طلبان و بیشتر سنگر این اظهارات ناحق و ناروا را به حساب جوانی و تلقینات بختیار گذاشتیم. اعلیحضرت، شورش ضد ایرانی را انقلابی اصیل دانستند و کسانی را که قائل به مشروعیت انقلاب ۵۷ نیستند متعهد به عدم آگاهی سیاسی کردند.

در کنار این اعلامات، آهسته آهسته مبارزه براندازی جای خود را به شرکت در انتخابات، اتحاد برای رفراندوم و نافرمانی مدنی و بالاخره فقط اعلامیه دادن گرفت.

تأکیدات مکرر اعلیحضرت به اینکه « نه رهبری می کنم و نه کسی را انتخاب می کنم » حاصل قیودات معامله بر سر سلطنت است که آن معامله ۵۰ دخالت و مشارکت اعلیحضرت را در زمینه های براندازی جمهوری اسلامی ممنوع کرده است و الا اعلیحضرت همواره خودشان را در موقعیت رهبری ایجاد اتحاد بین گروههای سیاسی دنبال فرموده اند.

بی علاقتی و بی مهری نسبت به سلطنت طلبان - بی مهری مخصوص و زجرآور اعلیحضرت به سلطنت طلبان که تقریباً عمومیت دارد و برخی از سلطنت طلبان را ناخرسند و

توضیح واضح است و نیازی به بازگویی فلاحیان نبوده است. زیرا طرح جمهوری اسلامی که متضمن دگرگونی عظیم و سقوط مبارزه سلطنت طلبان از طریق بی اعتبار ساختن اعلیحضرت و تبدیل ایشان به یک شهروند محتاط است، نمی تواند بدون منابع و ایادی و سرمایه گذاری و نظارت دائم باشد. بنابراین آنها که می گویند « دبیرخانه در کنترل مأمورین جمهوری اسلامی است » ممکن است بی مایه نماید. در پایان تفسیر شهادت تیمرمن این سؤال قابل طرح است که :

تیمرمن چه موقعیتی داشته که فلاحیان وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی آن مسائل بسیار حساس را درباره رضا پهلوی با او در میان می گذارد؟ اما هنگامی که می دانیم تیمرمن سالها در ارتباط با اعلیحضرت و دبیرخانه فعال بوده است و حتی تا آنجا در اعلیحضرت نفوذ داشت که موافقت نامه خودمختاری کردها را وساطت کرد، آن وقت حق داریم که حدیث مفصل بخوانیم از این مختصر.

قائمه و محور اصلی معامله سلطنت

قائمه و محور اصلی معامله بر سر سلطنت، اعراض از سوگند سلطنت است که اعلیحضرت در نهم آبان ماه ۵۹ خود را در موقعیت قانونی سلطنت ایران قرار دادند. این معامله باید صورت گرفته باشد که احمد قریشی رسماً اعلام نمود که « ایشان (مقصود اعلیحضرت است که سوگند وفاداری و حفظ سلطنت را یاد کرده اند) دیگر ادعایی ندارد.

بنده نوعی این اعلام صریح احمد قریشی را به حساب سفاهت ایشان گذاشتیم و مقاله حد سفاهت را در سنگر منتشر کردم در حالیکه رکن اصلی معامله اعلیحضرت و جمهوری اسلامی اعراض از سوگند سلطنت و به قول عوام، « سلب ادعای سلطنت » و اعلام آن بود چرا که بدون اعلام اعراض سلطنت، دستاورد لازم برای جمهوری اسلامی از قرار و مدار مزبور بوجود نیامده.

تأسف و دردناک در این است که سلطنت طلبان و بیشتر اینجانب ابداً در تصور و احتمال اینکه معامله ای بر سر سلطنت صورت گرفته است نبودیم و متعاقب آن اعلیحضرت در موقعیت یک شهروند عادی خودشان را معرفی کردند.

هنگامی که داریوش همایون بی اعتباری قانون اساسی را در اجلاسی با حضور اعلیحضرت اعلام کرد، ما ناشیانه آن را به حساب حماقت شیطان لنگ گذاشتیم و به هیچ وجه باور

ولیعهد و مسئولیت های تابعه را متذکر و با گماردن مردانی لایق، میهن پرست و معتقد به حقانیت تداوم سلطنت مسیر سلطنت ولیعهد را محکم سازند، کسانی را به مشاورت ایشان برگزیدند که آنها نیز به تداوم و حقانیت سلطنت اعتقادی نداشتند و چه بسا که علیاحضرت از تماس طرفداران جدی و مؤثر تداوم سلطنت با ولیعهد خودداری می فرمودند.

حاشیه - اینجانب که بعد از درگذشت شاهنشاه، با خانم آزاده شفیق در مصر حضور علیاحضرت به منظور توجه ایشان به لزوم قبول نیابت سلطنت و مسائل تابعه حضور یافتم هرچه تلاش کردم که ایشان امکان ملاقات اینجانب را با ولیعهد فراهم سازند، میسر نگردید. (پایان)

۵- ولیعهد ذاتاً ظرفیت قبول سلطنت را نداشتند توضیح اینکه تقریباً هیچیک از ولیعهدهای تاریخ ایران ظرفیت قبول سلطنت را نداشتند ولی مشاورین و خیرخواهان ایران این ظرفیت را در وجود شاه جوان بوجود آوردند ولی مشاورین و اطرافیان علیاحضرت به ویژه مادرشان ذاتاً علاقه ای نسبت به حفظ سلطنت و تداوم آن نداشتند و حتی علیاحضرت در مصاحبه ای صلاحیت رضا پهلوی را برای پادشاهی زیر سؤال بردند.

۶- ضربات بسیار شدید روحی به علیاحضرت که از زمان خروج از کشور تا درگذشت شاهنشاه در حدی غیرقابل تصور وارد شد همراه با نه چندان اعتقاد به حفظ تداوم سلطنت، زمینه فکری را برای رها ساختن سلطنت فراهم نمود بطوریکه می توان عدم قبول نیابت سلطنت و همچنین مخفی کردن وصیت شاهنشاه ایران توسط علیاحضرت را از عواقب رها کردن سلطنت گرفت.

ثمن معامله چه بوده است؟

این مهم نیست و اکنون هم معلوم نیست که علیاحضرت در مقابل اعراض از سلطنت و قطع تداوم ۲۵۰۰ ساله آن چه مزایا و امکاناتی را دریافت داشته اند؟ آینده این مرحله از معامله را فاش خواهد ساخت ولی آنچه مهم است چیزهایی است که در اثر معامله سلطنت از بین رفته است.

یک نگاه اجمالی به تاریخ مبارزه علیه جمهوری اسلامی نشان می دهد که سلطنت و سلطنت طلبان در سالهای نخست، همه چیز داشتند، امکانات مالی و انسانی، مردان نظامی و اطلاعاتی، اعتقادات راسخ به حقانیت سلطنت، ارتباطات وسیع گروههای سیاسی با داخل کشور، مشارکت عشایر ایران در مبارزه به نفع سلطنت و علیه جمهوری اسلامی و امثال آنها با معامله

حتی غیرتی کرده است در چهارچوب معامله با جمهوری اسلامی بر سر سلطنت است.

اجازه فرمایید با یک مثال اختصار کلام رعایت شود.

« شمای نوعی دوستی دارید که می دانید وقتی به ملاقات او می روید و یا به او محبت می کنید فوراً از شما درخواستی دارد که شما نمی خواهید آن را برآورده کنید. در این حالت از روبرو شدن و یا ملاقات و یا محبت کردن به او خودداری می کنید. این حالت را نباید ناشی از خلق و خوی ناپسند شما گذاشت بلکه در رابطه با قیودات و امکانات شماست که نمی توانید به خواهش او تن دهید.

علیاحضرت خوب می دانند که اگر با سلطنت طلبان ارتباط و یا به آنها محبت و مهرورزی بفرمایند، فوراً سلطنت طلب از علیاحضرت، حفظ تداوم سلطنت و استفاده از آن برای نجات ایران را مطرح می کند که برای علیاحضرت به اعتبار معامله با جمهوری اسلامی ممکن نیست.

این مسئله را نباید به حساب نامهربانی علیاحضرت نسبت به سلطنت طلبان گذاشت بلکه باید به حساب معامله ای گذاشت که علیاحضرت متأسفانه به مفاد آن خود را پایبند می دانند ...

عوامل ترغیب علیاحضرت به معامله

عوامل و مواردی که علیاحضرت را ترغیب به معامله سلطنت نمود را می توان در محدوده های زیر شناسایی کرد:

۱- مخالفت آمریکا با تداوم سلطنت و روند انتقال سلطنت به وسیله قانون اساسی که در سال ۵۸ به صورت طرح هنری برشت آمریکایی در جریان اجرا گذاشته شد (مشروح در سنگرها و اسناد سفارت آمریکا)

۲- ناسپاسی مردم نسبت به شاهنشاه ایران که تأثیر نامطلوب آن را نمی توان در روحیه علیاحضرت و نیز علیاحضرت نادیده گرفت.

۳- جو وحشتناک سال ۵۹ که اغلب ایرانیان و میهن پرستان داخل و خارج از کشور را در لاک سکوت و حیرت فرو برده بود و لذا فرصت برای کسانی که قصد پایان دادن به سلطنت را داشتند فراهم بود.

۴- علیاحضرت فرح پهلوی که بنا بر فرمایش علیاحضرت « مادر متخصص مسائل ایران هستند و من با ایشان در موارد خاص مشورت می کنم » اساساً نظر موافقی با تداوم سلطنت نداشتند لذا، به جای اینکه تکالیف سلطنت را برای

انقلاب مشروطه و دسیسه های انگلیسی

فلسفه جنبش پادشاهی مشروطه سال ۱۲۸۹ در شرایطی صورت گرفت که هم آخوندها از طرف انگلیسی ها و شاه قاجار با حمایت قزاقان روسی در جامعه قدرتمند بودند و روابط و ضوابطی در عملکرد آنها نسبت به مردم وجود نداشت. انگلیسی ها با جنبش پادشاهی مشروطه و قانون اساسی آن، قدرت مالاها و شاه را در حکومت بر مردم تقسیم کردند و دو مجلس شورای ملی و سنا را در دست گرفتند و از این تاریخ همواره اکثرأ فراماسون ها در این مجالس منصوب می شدند که در آنجا دفاع از منافع و حقوق ملت و میهن اهورائی خبری نبود.

البته جنبش پادشاهی مشروطه توسط دو دسته از عوامل انگلیسی ها فراهم آورده شد، یک گروه نواندیشان اروپا دیده که در لژهای فراماسونری اروپایی عضویت داشتند، که به دنبال مشروطه پادشاهی اروپایی بودند که دانش آنها از فرهنگ و مذهب و جامعه آن روز مردم ایران کم بود و از قدرت مذهبیون بی اطلاع بودند و گروه دوم که بزرگتر هم بودند، ملایان و اهل عمامه بودند که پیشگامی را هم انگلیسی ها به ایشان دادند از جمله **بهبهانی، طباطبایی، خراسانی، حاجی تهرانی و حاج شیخ مازندرانی** که پادشاهی مشروطه را بدانسان که در اروپا بود نمی خواستند، البته ذکر این نکته لازم است که صرفنظر از آخوندستیزی روشنفکرانی مثل **میرزا آقاخان کرمانی**، هیچ



مشروطه خواهی کمترین تصویری از ضدیت با شریعت در نظام پادشاهی مشروطه ارائه نداده است و اکثر آنها عقیده دارند مشروطیت کاملاً منطبق با اصول اسلامی است که این نیز افکار استعمارگران و عوامل آن است که با شریعت می توانند مردم را به هر سو که می خواهند بکشانند.

برای همین بود که در اصل اول متمم قانون اساسی پادشاهی مشروطه، مذهب رسمی ایران، اسلام و طریقه حقه، اثنی عشریه شد و اصل دوم متمم قانون اساسی بر نظارت مجتهدان در اقدامات و تصمیم های مجلس و امر قانونگذاری تأکید نمود، در نتیجه جنبش پادشاهی مشروطه قانونی کردن و تثبیت قدرت مذهبیون در جامعه برای ایجاد استعمار مذهبی بود.

سلطنت و با اعراض اعلیحضرت از سوگند سلطنت از بین رفت و جای آن را خلأ رهبری و متعاقباً خلأ مبارزه اساسی گرفت و جمهوری اسلامی میدانی بلامتنزاع یافت و خیالش از قدرتی ریشه دار و سنتی که به راحتی می توانست جمهوری اسلامی را به چالش بکشد آسوده شد. بطوریکه امروز جمهوری اسلامی کوچکترین نگرانی از اعلیحضرت و سلطنت طلبان و مبارزه آنها ندارد.

تأثیر بسیار مهم معامله سلطنت

اثر و تأثیر بسیار مهم معامله سلطنت را می توان در قالب رهبری مبارزه علیه جمهوری اسلامی بررسی کرد. توضیح اینکه - اعلیحضرت ذاتاً فاقد صفات و جوهر رهبری هستند و اگر هم بطور تمام عیار فاقد آن نباشند در حد لازمی که بتواند بار مشکلات رهبری را تحمل کنند نیستند ولی رهبری اکتسابی، یعنی موقعیت رهبری که قانون اساسی و سنت دیرینه ایرانی به پادشاه تفویض کرده مسئله رهبری ذاتی را تحت الشعاع و بی نیاز ساخته است.

زیرا که قانون و سنت، رهبری مبارزه را به طور جامع و کامل به حکم قانون حل و فصل ساخته و آن رهبری اکتسابی و قانونی پادشاه است که مردم ایران با آن آشنا و خود را مقید به اطاعت از آن می دانند.

معامله اعلیحضرت بر سر سلطنت ظاهراً موقعیت رهبری اکتسابی و قانونی اعلیحضرت را زائل و از ایشان سلب کرد و در نهایت خلأ رهبری که فقط می توانست با رهبری ذاتی پر شود جایگزین رهبری اکتسابی شده که چون ملت ایران با رهبری ذاتی کمتر آشنایی دارد و تاریخ سیاسی و حتی فرهنگ مذهبی آنها با رهبری اکتسابی پیوند ناگسستنی دارد، مبارزه علیه جمهوری اسلامی بدون رهبر شد و به کلامی روشن، سر مبارزه ایرانیان را معامله سلطنت قطع ساخت و بدن بدون سر را در میدان مبارزه رها ساخت و مبارزه علیه جمهوری اسلامی را به سرنوشت شومی که دقیقاً سران جمهوری اسلامی از آن آگاه و منتظر آن بودند گرفتار ساخت ...

با احترام و آرزوی پیروزی

سرانجام به شاه عبدالعظیم رفت و در روز جمعه اول ماه مه ۱۸۹۶ ناصرالدین شاه را به قتل رسانید.

میرزا ملکم خان



میرزا ملکم خان در ۱۲۴۹ هـ.ق در جلفای اصفهان بدنیا آمد و در سال ۱۳۲۶ قمری پس از به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی، در سوئیس از دنیا رفت. در دوره **ناصرالدین شاه**، به نسبت پیروان سایر مذاهب

غیراسلامی، **ارمنی** ها در ادارات دولتی دوره قاجار بیشتر جا باز کرده بودند و خصوصاً بواسطه آشنائی با زبان های فرانسه و انگلیسی، در وزارت امور خارجه و یا سفارتخانه های بیگانه در تهران به کار اشتغال داشتند در میان آنان میرزا ملکم خان (**ارمنی**) که از **عوامل فراماسونری انگلیس** بود، نقش فعال در انقلاب انگلیسی مشروطه در ایران ایفا کرد. وی در سال های متمادی در مناصب دولتی و خصوصاً سفارت ایران در استانبول، سفارت کبرای ایران در انگلیس و بالاخره در ایتالیا کار کرد. او در اروپا روزنامه قانون را انتشار می داد. ملکم خان از اولین اثر مکتوب خود بنام **کتابچه غیبی** تا آخرین اثر رسمی اش بنام **عدالت**، اسلام و احکام اسلامی را تنها راه چاره دردهای ایران برشمرد و سعی او تماماً در بالا بردن مقام اهل عمامه برای بدست گرفتن فرمان هدایت مملکت بود. او همه تئوری و پیشنهادات خود را بر پایه اسلام نهاد (استعمار مذهبی) و این روش را به دفعات متعدد به سیاستمداران انگلیس پیشنهاد کرد. از اینجا در می یابیم عملکرد **مجاهدین ارامنه** و نقش آنها را در انقلاب مشروطه که اکثر آنها از ارامنه ساکن ایران نبودند، بلکه از روسیه به ایران آمده بودند. همانطور که می دانیم انقلاب ۱۹۱۷ روسیه توسط **لنین** بعد از ده سال تربیت در انگلیس، فرانسه و سوئیس توسط فراماسون ها و سرویس اطلاعاتی انگلیس همراه با کمک های مالی آنها انجام شد و از آن زمان انگلیس بر کشورهای به اصطلاح کمونیستی تسلط یافت.

از مهمترین وجوه انقلاب راستین مشروطه، وجه ناسیونالیستی آن می باشد، بنابراین فعالیت ارامنه و تفنگ بدستان ارمنی در انقلاب مشروطه دلیلی به جز نقش محرک انگلیس نداشت. مبارزات مستقیم ارامنه ابتدا در جنگهای تبریز به رهبری **ستارخان** و **باقرخان** و سپس نقش اساسی آنها در شهر رشت به سرپرستی **بیرم**



خان، منجر به فتح تهران و برقراری به اصطلاح مشروطه دوم گردید. در این

در غیاب یک گروه میهن پرست و سیاستمدار، همراه با چند عنصر به اصطلاح اروپا دیده اغفال شده و سه چهار فقره اهل عمامه و فرصت طلب که هرگز با مفهوم ملیت و هویت ملی آشنا نبوده اند قانون اساسی پادشاهی مشروطه نوشته شد، که در آن **مذهب**، اساس روابط انسانها را تعیین می کرد.

داستان از این قرار بود که در سال های پایانی سلطنت **ناصرالدین شاه**، وجود او بصورت معضلی برای استعمارگران جلوه می کرد، در آن دوران، انگلیس از پادشاهی که قریب پنجاه سال بر تخت سلطنت تکیه زده بود و مورد حمایت روسها بود، نا امید شده بودند.

وزیرمختار فرانسه در تهران « **ماری رنه شاوینی دوبالوا** » که به سبب درازای اقامت در ایران عنوان **مقدم السفراء** یافته بود، در باب قتل ناصرالدین شاه نوشت: قاتل **میرزا رضای کرمانی** یک مرد انقلابی از طرفداران **سید جمال الدین اسدآبادی** و **ملکم خان** است. **سید جمال اسد آبادی** و **ملکم خان** از اعضای شبکه فراماسونری انگلوفیل بودند که گویا به فرقه اسماعیلیه که توسط انگلیسی ها تقویت شده بود هم وابستگی داشتند.

میرزا رضای کرمانی با خواهر **میرزا باجی**، منشی مخصوص **امینه اقدس** همسر محبوب شاه ازدواج کرده بود و توسط او توانست به کاخ سلطنتی آمد و شد کند و از طریق نفوذ خواهر زن خود نزد **حاج محمد حسن کمپانی**، مشهور به **امین الضرب** مشغول به کار شد. وقتی **ژولیوس رویتر** و **فابیوس بوئاتل** یکی انگلیسی و یکی فرانسوی در مقام بدست آوردن امتیاز راه آهن در شمال ایران ناحیه بین محمود آباد و آمل بودند در یک سفر که به منظور بازرسی محل و بررسی امر صورت گرفت حاج امین الضرب، **سید جمال الدین اسد آبادی** و **میرزا رضای کرمانی** را همراه برد که بدین ترتیب بین آنان آشنائی و دوستی حاصل شد.

در منزل امین الضرب که بعداً لقب « **مهدی** » را برگزید با سید جمال الدین اسد آبادی آشنائی بیشتر حاصل کرد و بعدها یکی از طرفداران پر و پا قرص اخوان المسلمین شد. پس از اخراج اسد آبادی به دستور **ناصر الدین شاه** در ژانویه ۱۸۹۱، میرزا رضا کرمانی فعالیت های ضد سلطنتی خود را همچنان ادامه داد، به همین سبب بازداشت و شکنجه شد، ولی او مقاومت و تحمل کرد و حتی نام یکی از آشنایان خویش (**اعضای شبکه فراماسونری**) را لو نداد تا سرانجام بر اثر نفوذ دوستانش که در شبکه فراماسونری مقام و منزلتی داشتند از زندان خلاص شد. میرزا رضا کرمانی همچنان بر علیه ناصرالدین شاه دست به اقداماتی می زد تا

(همچنانکه اکنون مشاهده می شود **اپوزیسیون ستون پنجم** هم در خارج فعال است و سد راه نیروی واقعی و میهن پرست که برای براندازی اقدام می کنند، می باشد. از آن جمله می توان همه رادیوها و تلویزیون ها را نام برد که کلمه ای در مورد براندازی حکومت جبار اسلامی ذکر نمی کنند و از جنبش براندازی حمایت نمی کنند).

انقلاب مشروطه که توسط جماعت انگلوفیل انجام شد برای این بود که رقبای خود را مانند روسیه، فرانسه، بلژیک، سوئد، آلمان که هر یک سهمی از این مرز پرگوهر می برند، از ایران بیرون راند. برای مثال گمرکات ایران توسط **بلژیکی** ها اداره می شد، پلیس ایران را **سوئدی** ها اداره می کردند، **روس** ها، قزاق ها و قوای سلطنتی را فرماندهی می کردند و **فرانسه** به اشاعه و تعلیم فرهنگ خود یعنی استعمار فرهنگی مشغول بود که در این میان کلان، کلان میراث فرهنگی ایران را به یغما برد و به فرانسه منتقل کرد و آنها را در جهان نیز بفروش رسانید.

انقلاب به اصطلاح مشروطه در سال های ۱۲۹۰ - ۱۲۸۴ شمسی (۱۹۱۱-۱۹۰۵م) صورت گرفت و باعث شد که انگلیس صد در صد بر سرنوشت میهن ما چیره شود و با همیاری رجال خائن توانست درهای توسعه و ترقی و مدرنیته و همچنین دمکراسی و مردم سالاری را بر روی میهن ما مسدود سازد. انگلیس توانست با همکاری **شبکه فراماسونری** خود، انقلاب فرانسه، عثمانی، روسیه و ایران را رهبری کند. هر کدام مبحثی است که به آن اشاره خواهد شد.

(تشکیل فراماسونری فرانسه در ۲۶ ژوئن ۱۷۷۳ به نام لژ خاور بزرگ فرانسه و اولین انقلاب فرانسه در زمان **لوئی شانزدهم** با به تصرف درآوردن زندان باستیل در سال ۱۷۸۹ صورت گرفت و



در سال ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸ انقلابات بعدی فرانسه با هدایت شبکه فراماسونری بوقوع پیوست. **ژان ژک روسو**، نویسنده انقلابی **فراماسون** فرانسه (-۱۷۱۲) یکی از عوامل اصلی

محرک انقلاب فرانسه بشمار می رود).

در ژوئیه سال ۱۹۰۶ مردم که از اعمال وزیر اعظم، **عین الدوله** خسته شده بودند و می دیدند، جان و مال آنها همه روزه در معرض تباهی است یک عده پانزده هزار نفری بعنوان عدالتخواهی به سفارت انگلیس رفتند. در آن زمان انگلیس

حال مشاهده می شود ارمنی های فاتح در این زمان مسئول انتظامات تهران شدند، البته نقش آرامنه را در روزنامه نگاری و هدایت فکری مشروطه خواهان، نباید فراموش کرد. نویسندگانی همچون **حاج زین العابدین مراغه ای**، **عبدالرحیم طالبوف**، **میرزا فتحعلی آخوند زاده**، **میرزا آقاخان کرمانی** و **سید جمال الدین اسدآبادی** که همگی از اعضای فراماسونری انگلیس بودند زمینه های به اصطلاح مشروطه خواهی را فراهم آوردند.

سر آرتور هاردینگ

سر آرتور هاردینگ از سال ۱۹۰۱ تا ۲۶ ژانویه ۱۹۰۶ در ایران مقام وزیرمختاری داشت و از نزدیک در تقسیم وجوه موقوفه هند در ایران و بین النهرین نظارت داشت.

او در کتابی که نوشته است در مورد پرداخت مقرری چنین می نویسد: «این بودجه در دست من یک اهرم قوی بود که باعث شد بین من و روحانیون ایران روابط حسنه ایجاد شود (وجه اوقاف اود توسط پادشاه « اود » پرداخت می شد که صرف تحصیل محصلین شیعه شود) و هر عملی که می خواستیم در ایران و بین النهرین به راحتی انجام می گرفت. این بودجه قادر به حرکت هر بار سنگینی بود که در مقابل ما قرار می گرفت.»

سر آرتور هاردینگ در شش سال مأموریت خود در ایران و توسعه مبارزات پنهانی روس و انگلیس بر سر تقسیم ایران به مناطق نفوذ، حوادث گوناگونی را بوجود آورد که از آن جمله می توان کوشش در راه استفاده اقتصادی و سیاسی از ایران، انعقاد قرارداد نفت جنوب، دامن زدن بلواها و ایجاد انقلاب سراسر ایران و تشکیل انجمن های مخفی و ایجاد انقلاب مشروطه برای از بین بردن نفوذ روسیه در دربار **مظفرالدین شاه** و جانسپین کردن طرفداران، عمال و خبردهنده ها و جاسوسان انگلیس در مجلس و سازمانهای درباری و دولتی ایران را نام برد. چرا که ایجاد دو فراکسیون در مجلس **اعتدالیون** و **دمکرات** (که هر دو گروه از عوامل انگلیس بودند) و نزاع و مجادله ظاهری مابین آنها برای نشان دادن وجود اندیشه و افکار متفاوت مابین آنها و نمایان ساختن روحیه دمکراسی بوده است. باید گفت که انگلیس همواره، مخالف و موافق یک اندیشه، یک دولت، یک حکومت را در دست داشته و با آن توانسته است هر مسیری را خواسته است ترسیم نماید و اکنون هم در ایران از گروه محافظه کار و اصلاح طلب برای نشان دادن وجود اپوزیسیون و پوزیسیون برای خنثی کردن حرکت های خودجوش واقعی استفاده می کند.

می شوند. در تهران ۱۹ تیر ۱۲۸۵ ه. ش مأمورین دولتی، **شیخ محمد واعظ اصفهانی** را که مردم را به شورش وا می دارد دستگیری کنند ولی مردم او را از چنگ سربازان در می آورند و در نتیجه تیراندازی سربازان، **سید عبدالحمید** کشته می شود. بازار



تعطیل و مردم و طلاب به رهبری **سید محمد طباطبائی، سید عبدالله بهبهانی و فضل الله نوری** در مسجد جامع تحصن می کنند، در فردای آن روز درگیری به صحن مسجد کشیده شده و در اثر تیراندازی سربازان، قریب یک صد نفر از مردم و سربازان کشته و زخمی می شوند، فشار سربازان باعث می شود که متحصنین مسجد را ترک کرده و به طرف قم (برای تحصن در آنجا) رهسپار شوند و در حدود دو هزار نفر از بازاریان و اهل عمامه همراه با رهبران آنها، به مدت شش روز در راه بودند.



سیدین **بهبهانی** و **طباطبائی** نامه ای به سفارت انگلیس نوشته و تقاضای همراهی با ملیون می کنند.



خواست آنها این بود که مشکلات جامعه توسط وزیر مختار انگلیس به اطلاع شاه برسد. البته این نامه وسیله ای بود که مردم توسط

سفارت انگلیس هدایت شوند و **سناریوی انقلاب مشروطه** توسط انگلیس اجرا گردد.

البته سه روز پس از حرکت دسته مردم به قم، اولین جماعت پنجاه نفری مردم در باغ سفارت انگلیس در شهر متحصن شدند و با هماهنگی **اهل عمامه و بازاریان** همیشه در خدمت انگلیس، همه روزه عده متحصنین در سفارت انگلیس اضافه می شد بطوریکه عده آنها از پانزده هزار نفر تجاوز کرد. بازاریان چادرها را در باغ افراشته و دیگ ها را روی آتش قرار دادند.

بصورت پادشاهی مشروطه اداره می شد، و انگلیسیها توسط چند تن از ایرانیان که در دوره **ناصرالدین شاه** رانده شده بودند، به این مردم تفهیم کردند که باید مشروطه خواهی کنند و رژیم مشروطیت چیست و چه می گوید. از آن پس کلمه «**عدالت**» رهاشد و لغت **مشروطیت** جای آن را گرفت.

در بهار سال ۱۳۲۱ ه. ق (۱۲۸۲ ه. ش) با دسیسه **عوامل فراماسونری انگلیس**، بازاریان تبریز در اعتراض به مسئولان بلژیکی گمرک ایران بازار را بستند و خواهان اخراج «**مسیو پریم**» مسئول گمرک آذربایجان شدند.



در اسفند ۱۲۸۳ ه. ش عکس «**مسیو نوز**» رئیس گمرک ایران که با عبا و عمامه توسط انگلیسیها برداشته شده بود منتشر شد، اهل عمامه آن را بعنوان توهین به اسلام تلقی

نمودند و مردم را بر علیه **مسیو نوز** شوراندند. اهل عمامه های مزدبگیر انگلیس در شاه عبدالعظیم متحصن شدند و ضمن تقاضای لغو تعرفه گمرکی خواستار استعفای «**نوز**» شدند، همراه با این جریان به دلیل احتکار عده ای از بازاریان و سرمایه داران انگلیس در شهرها اعتراضات عمومی گسترش یافت.

- ۲۰ آذر ۱۲۸۴ ه. ش در تهران چند تاجر قند برای احتکار قند و ایجاد نارضایتی مردم توسط حکومت شلاق خوردند و همین عمل نخستین انفجار هماهنگ شده عمومی را در انقلاب مشروطه انگلیسی تبار بر می انگیزد.

- در ۲۲ آذر ۱۲۸۴ ه. ش دوباره اهل عمامه و بازاریان وابسته در شاه عبدالعظیم متحصن می شوند و خواستار هشت اصل می گردند، و آنها عبارتند از:

۱- عزل **مسیو «نوز»** وزیر گمرک و مالیه ۲- عزل **علاء الدوله** حاکم تهران ۳- عزل **عسکر گاریچی** راهدار قم ۴- بازگرداندن **میرزا محمد رضا مجتهد** تبعیدی کرمانی به موطن خویش ۵- بازگرداندن مدرسه مروی و موقوفات آن به متولی باشی سابق آن ۶- لغو دستور کاهش مستمری کارمندان ۷- بنای عدالتخانه با رعایت احکام اسلامی در تمام شهرهای ایران ۸- اجرای قانون اسلام بدون تبعیض درباره تمام مردم.

در این شرایط در اثر فشار هدایت شده، شاه مجبور می شود با خواست هشت گانه بالا موافقت کند ولی شورش در تهران و شهرهای دیگر ادامه پیدا می کند، در شیراز در اثر درگیری مردم با حکومت عده ای به **شاه چراغ** و **قنصلخانه** (کنسولگری) انگلیس پناهنده

تشکیل مجلس موقتی و مقدماتی برای تدوین نظامنامه انتخابات از جمعیت اهل عمامه و سران جنبش و عده ای از وزیران و درباریان آغاز می شود که همگی از حقوق بگیران انگلیس بودند. پس از دو ماه شورش و کشمکش در تمام ایران و اصلاحاتی در فرامین شاهی، مجلس شورای ملی در ۱۴ مهر ۱۲۸۵ ه. ش با حضور ۵۷ نفر در **کاخ گلستان** در حضور شاه افتتاح و شروع به کار می کند. در فردای آن روز



صنیع الدوله

در جلسه مجلس شورای ملی **مرتضی قلی خان صنیع الدوله** داماد **مظفردالدین شاه** به ریاست مجلس برگزیده می شود و **میرزا حسن خان وثوق الدوله** به نیابت اول و **حاج محمد حسین امین الضرب** به نیابت دوم مجلس انتخاب می شوند.



تعدادی از نمایندگان دوره اول مجلس (از راست به چپ): **میرزا محمدخان مخبرالملک** (محمد هدایت)، **میرزا محمدخان صدیق حضرت** (محمد مظاهر)، **میرزا آقافرشی**، **شیخ ابراهیم تبریزی**، **مرتضی قلیخان نائینی**، **میرزا حسن خان وثوق الدوله** (حسن وثوق)، **حاج آقا رضا رئیس التجار** (رضا مهدوی)، **میرزا صادق خان مستشارالدوله** (صادق صادق)، **حسنعلی خان نصرالملک** (حسنعلی کمال هدایت)، **سید حسن تقی زاده**، **میرزا حسن خان بانکی**

قانون اساسی به اسم «**نظامنامه سیاسی**» مشتمل بر ۵۱ اصل که به تصویب مجلس شورای ملی رسیده بود از طرف **مظفردالدین شاه** در تاریخ ۸ دی ماه ۱۲۸۵ ه. ش تصویب و امضاء شد و صورت قانونی یافت. ده روز پس از امضاء قانون اساسی، **مظفردالدین شاه** در ۱۹ دی ماه درگذشت و **محمد علی میرزا** بجای او نشست.

شاه جدید، **میرزا علی اصغر اتابک** را که سه سال پیش از صدارت معزول و به اروپا رفته بود به کشور فراخوانده و او را به نخست وزیری برگمارد و امور دولت را موقتاً به عهده **سلطان**

بازاریان هزینه تحسن را تأمین کردند. اداره کردن این عده با **حاج محمد تقی بنگدار** و **حاج محمد مرتضوی** بود.



عده ای از صاحب منصبان و قزاقان به متحصنین سفارت انگلیس پیوستند و شاه از این مسئله نگران گردید و خواسته های متحصنین که همان خواسته های دولت انگلیس بود توسط وزیر مختار انگلیس به شاه ابلاغ گردید، که به پنج مورد اشاره شده بود:

- ۱- بازگشت رهبران اهل عمامه که در قم بودند، به تهران.
- ۲- عزل **سلطان عبدالمجید میرزا عین الدوله** صدر اعظم.
- ۳- افتتاح مجلس شورای ملی.
- ۴- قصاص قاتلین **سید عبدالحمید**.
- ۵- بازگرداندن تبعید شدگان به تهران.



مظفردالدین شاه با فشارهای انگلیس مجبور می شود تمام خواسته های انگلیس را که از دهان متحصنین بیرون می آمد، بپذیرد. او **عین الدوله** را عزل می کند و **میرزا نصرالله خان مشیرالدوله** که با انگلیسی ها سر و سری داشت را به صدارت منصوب می کند و

در انتها با فشار انگلیسی ها و شورش هدایت شده مردم در فاصله ۱۴ تا ۱۸ مرداد ۱۲۸۵ ه. ش **مظفردالدین شاه فرمان مشروطه** را صادر می کند.

عباس آقا حاجی محمد زاده تبریزی کشته می شود. قاتل در حین دستگیری با اسلحه خودکشی می کند.

(تصویر روبرو اتابک اعظم و تصویر پایین قاتلش)

دو روز بعد مجلس شورای ملی، تلگراف تسلیت آمیزی درباره قتل **اتابک** به شاه مخابره نمود و تقاضا کرد برای اداره امور کشور شخص لایقی را انتخاب بکند. از طرف **محمد علی شاه** فرمان رئیس الوزرای به نام **میرزا احمد خان مشیر السلطنه** صادر می شود.

در اول مهرماه همین سال پیرو طرح قرارداد تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ انگلیس و روس، **سر اسپرینگ رایس** وزیر مختار انگلیس در تهران متن فرانسه و ترجمه فارسی قرارداد ۱۹۰۷ را که مربوط به ایران می شد برای وزارت امور خارجه ایران ارسال می دارد. بعد از تسلیم متن قرارداد به مجلس، نمایندگان پس از پرخاش به وزیر خارجه در مجلس، قرارداد را رد کردند.

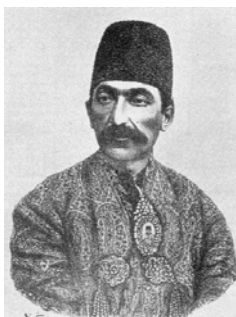
در اثر بی کفایتی مشیرالسلطنه، مجلس شورای ملی به او رأی عدم اطمینان می دهد و در ۲۵ مهرماه **میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک** به صلاحدید و تصویب عده ای از وکلای مجلس از طرف محمد علی شاه به رئیس الوزرائی منصوب شد.

مجلس جدید التأسیس شورا در آذر ۱۲۸۶ ه. ش بودجه دربار را سیصد هزار تومان کسر و به پانصد هزار تومان کاهش داد و شهریه زنان **ناصرالدین شاه** را قطع کرد. این تصمیم مجلس که مورد تأیید ناصرالملک رئیس الوزراء وقت قرار گرفته بود، محمد علی شاه را به خشم آورد. وی تحت فشار روسیه و پاره ای از روحانیون بود که مجلس را منحل کند. او نمایندگان مجلس را احضار و به آنان در مورد کاهش بودجه دربار اخطار کرد و گفت که از حدود خود تجاوز کرده اند. ناصرالملک که خشم شاه را دید از سمت خود کناره گیری کرد و استعفای خود را برای محمد علی شاه فرستاد ولی مورد قبول شاه واقع نشد.

در این زمان عده ای از طرفداران محمد علی شاه به سرکردگی **مقتدر نظام** و **صنیع حضرت** در تهران دست به تظاهرات زدند و به مجلس شورای ملی حمله بردند. بین آنها و محافظین مجلس کار به تیراندازی رسید و سپس دامنه زد و خورد به توپخانه کشیده شد و عده زیادی از طرفین مقتول و مجروح شدند.

احتشام السلطنه رئیس مجلس برای اقامه شکایت از این وضعیت نزد شاه رفت که شاه دستور داد او و برادرش را که همراه وی بود شلاق زدند و در همان جا (کاخ گلستان) بازداشت کردند.

علیخان وزیر افخم ارشد وزاری کابینه محول نمود. او قریب ۴۰ روز عهده دار سرپرستی دولت بود. در اسفندماه ۱۲۸۵ مردم اصفهان برای عزل **مسعود میرزا ظل السلطان** حاکم اصفهان به



سلطان علیخان وزیر افخم

دستور **آقا نجفی** و **حاج آقا نورالله** در تلگرافخانه دولتی اجتماع نمودند و پس از مخابره چند تلگراف، در کنسولگری انگلیس متحصن شدند و در پی آن مسعود میرزا از حکومت اصفهان معزول می شود و اداره امر حکومت اصفهان موقتاً به عهده **حسینقلی خان نظام السلطنه** واگذار می شود. در همین زمان **احمد میرزا**

فرزند دوم **محمد علی شاه** به ولیعهدی تعیین و معرفی می شود.

بخشهایی از روحانیون به رهبری **شیخ فضل الله نوری** و **سید احمد طباطبائی** تحت عنوان «شریعت خواهی» یعنی رعایت احکام اسلامی در قانون اساسی در مخالفت با مشروطیت در ۳ تیرماه ۱۲۸۶ ه. ش در شاه عبدالعظیم متحصن می شوند و خواستار انحلال مجلس می گردند، البته آنها از طرف **محمد علی شاه** و روسیه حمایت می شدند. در ۸ شهریورماه در مجلس شورای ملی، **اتابک اعظم** نطق مستدلی در مورد امور کشور و حل مشکلات و تأکید شاه درباره تدوین متمم قانون اساسی ایراد کرد



مسعود میرزا ظل السلطان

که مورد تحسین عده ای از نمایندگان قرار گرفت. در همین جلسه اتابک، **میرزا حسن خان مستوفی الممالک** را به سمت وزیر جنگ به جای **کامران میرزا** نایب السلطنه و همچنین **میرزا محمود خان علاء الملک** را به سمت وزارت عدلیه معرفی کرد.

در این زمان **میرزا علی اصغرخان اتابک اعظم** با کمک روحانیون مخالف مشروطیت دست به توطئه چینی می زند. پس از ختم جلسه علنی مجلس شورای ملی، دو ساعت از شب گذشته، اتابک اعظم و **سید عبدالله بهبهانی** در حالیکه مشغول گفتگو بودند از بهارستان خارج می شوند، مقابل در مجلس، اتابک مورد سوء قصد قرار گرفت و سه تیر به او شلیک شد. بدین وسیله اتابک اعظم در هشتم شهریور ۱۲۸۶ ه. ش بدست یکی از انقلابیون

در روز ۲۶ آذرماه ۱۲۸۶ شمسی کمیته انقلاب مشروطه که با مسئولیت **تقی زاده** شکل گرفته بود و در مسیر اجرای پروژه مشروطه پادشاهی به شکنجه و اعدام مخالفین مشروطه می پرداخت، تصمیم می گیرد محمد علی شاه را به قتل برساند.



روزنامه صور اسرافیل با همکاری **میرزا قاسم خان تبریزی** و **میرزا جهانگیرخان شیرازی** در تهران انتشار یافت و شماره اول آن در روز ۱۴ اسفندماه ۱۲۸۶ منتشر شد. **میرزا علیخان قزوینی** معروف به «**دخو**»



(**دهخدا** آینده) از نویسندگان این روزنامه بود. چند روز بعد روزنامه صور اسرافیل همراه با روزنامه های دیگر حملات خود را به **محمد علی شاه** مجدداً آغاز کردند و نسبت های تند و اهانت آمیز به وی و خانواده او دادند. روزنامه های **مسوات** و **روح القدس** در

این حملات گوی سبقت را از همگان ربودند. در این زمان **سید حسن تقی زاده** در مجلس طی نطقی **آصف الدوله** وزیر داخله را مورد انتقاد و نکوهش قرار داد و از اعمال زشت وی به هنگام والیگری در خراسان سخن گفت و او را شایسته مقام وزارت در دوران مشروطه ندانست. به پیشنهاد تقی زاده مجلس به اخراج او از کابینه رأی داد.

در ۲۶ آذر ۱۲۸۶ ه.ش کمیته انقلاب که توسط تقی زاده فراماسون هماهنگی می شد، تصمیم گرفت محمد علی شاه را به قتل برساند و در روز ۸ اسفندماه **محمد علی شاه** که برای گردش به دوشان تپه می رفت،



هنگام عبور از خیابان الماسیه مورد سوء قصد قرار گرفت. دو نارنجک در جلوی کالسکه او انداختند که هر دو منفجر شد. در این سوء قصد به شاه آسیبی نرسید ولی چند نفری مقتول و مجروح شدند. فردای آن روز به شکرانه رفع خطر از شاه، در تهران و شهرستان ها مراسم دعا و شکرگزاری به عمل آمد.

به دنبال سوء قصد به محمد علی شاه، **معتضد دیوان** رئیس نظمیه، **حیدرخان چراغ برقی**، **ضیاء السلطان**، **میرزا اسماعیل خان** و **میرزا موسی زرگر** را به جرم سوء قصد به جان شاه دستگیر کرد و برای بازپرسی به کاخ گلستان برد. در ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۲۸۷ **حسینقلی خان نظام**

محمد علی شاه سپس **ناصرالملک** مستعفی و وزیران کابینه اش را احضار کرد، شاه پس از فحاشی و نواختن چوب به سر و صورت آنها، دستور توقیف آنها را صادر کرد و واقعه توپخانه و بلوای مجلس را نتیجه تحریکات آنها دانست.

در همین هنگام شاه دستور داد برای هلاکت **ناصرالملک**، درخیم «قهوه فجری» تهیه کند. ناصرالملک قبل از صرف قهوه مسموم به نماز ایستاد. در این زمان **چرچیل** دبیر سفارت انگلیس



در دربار حضور یافت و از طرف وزیر مختار انگلیس، پیام محرمانه ای به شاه داد و متذکر شد که ناصرالملک از دولت انگلیس نشان های برجسته دارد و سرانجام با شفاعت و حمایت سفارت انگلیس موجبات آزادی ناصرالملک فراهم شد و شاه آزادی او را موکول به

ترک ایران نمود و فردای آن روز ناصرالملک تهران را به قصد لندن ترک کرد. **محمد علی شاه حسینقلی خان نظام السلطنه** را برای رئیس الوزرای انتخاب کرد.

درگیری و کشمکش همچنان در تهران، تبریز، اصفهان و بعضی از شهرها با رهبری پنهانی رجال درباری و حمایت علنی **شیخ فضل الله نوری** با مشروطه خواهان انگلوفیل ادامه داشت. مخالفین مشروطه پس از یک حمله مسلحانه ناموفق به مجلس، در میدان توپخانه چادر می زند ولی سرانجام محمد علی شاه تسلیم شد و قسم نامه را امضاء کرده و آشوبگران پراکنده می شوند. قسم نامه شاه به شرح زیر است:

« چون به واسطه انقلابی که این چند روز در تهران و سایر ولایات ایران واقع شده، برای ملت سوء ظن حاصل شده بود که خدای نخواسته ما در مقام نقض و مخالفت از قانون اساسی هستیم لهذا برای رفع این سوء ظن و اطمینان خاطر عموم ملت به این کلام الله مجید قسم یاد می کنیم که اساس مشروطیت و قوانین اساسی را کلیتاً در کمال مواظبت حمایت و رعایت کرده و اجرای آن را به هیچ وجه غفلت نکنیم. هرکسی برخلاف مشروطیت رفتار کرده مجازات سخت بدهیم. هرگاه نقض عهد و مخالفت از ما بروز کند در نزد صاحب قرآن مجید مطابق عهد و شرط و قسمی که از وکلای ملت گرفته ایم مسئول خواهیم بود. لیله هفده ذی القعدة ۱۳۲۵.»

در این کشمکش روسیه برای منافع خود از محمد علی شاه حمایت می کند و انگلیس از مشروطه خواهان تا به امضاء رسیدن موافقتنامه استعماری بین روسیه تزاری و انگلیس برای تقسیم ایران به مناطق نفوذ بین آنها در اوت ۱۹۰۷ میلادی.

رضا مساوات، ابراهیم حکیمی (حکیم الملک)، شیخ محمد خیابانی، حیدر عمو اوغلی، رسول زاده، ابوالضیاء، جلیل اردبیلی، میرزا محمد نجات، احمد قزوینی، محمد علی خان تربیت، نوبری و تعدادی دیگر، کمیته انقلاب را تشکیل دادند.

حزب دمکرات به قولی روشنفکران و تحصیلکرده ها را تشکیل می داد که در مجلس دوم در اقلیت قرار داشتند و دارای بیست نماینده بودند که ارگان این حزب روزنامه «**ایران نو**» نام داشت. (ایجاد دو فراکسیون (گروه) رقیب که هر دو از یک منشأ سرچشمه می گیرند سیاست کلی و در دستور کار انگلیسی ها بوده است، این عمل را نه تنها در مجلس دوم بعد از مشروطه به کار گرفتند بلکه در زمان **پهلوی ها** و مخصوصاً در زمان **حکومت اسلامی** به گونه بسیار زیرکانه ای اجراء کردند و از دوجنحی وانمود کردن حکومت اسلامی بهره بیشمار برده اند).

در شرایطی که محمد علی شاه هم از درگیری های سه جانبه سیاسیون که عبارت بودند از طرفداران روس، انگلیس و آزادیخواهان واقعی به تنگ آمده بود، او با همراهی **شیخ فضل الله نوری و سید احمد طباطبائی** عده ای را علیه مجلس در اطراف آن جمع می کند و به درگیری با مجلسیون و مدافعان آن می پردازد و با بمبی که یاران **سید حسن تقی زاده** و **حیدر عمو اوغلی** به کالسکه حامل **محمد علی شاه** انداختند وی به مقابله جدی با مجلس پرداخت و به باغشاه رفت و بریگارد قزاق را برای مقابله با مجلس آماده کرد. در این زمان نظم شهر تهران به **لیاخوف (پالکونیک)** و نیروی قزاق سپرده شد.

شاه چند تن از واعظین و روزنامه نگاران را که از اعضای مجلس نیز بودند تبعید نمود که عبارتند از: **ملک المتکلمین، سید جمال واعظ، سید محمد رضا شیرازی** مدیر روزنامه مساوات، **سلطان العلمای خراسانی** مدیر روح القدس، **میرزا جهانگیرخان** مدیر صوراسرافیل و **تقی زاده**.

اوضاع ایران پس از انقلاب مشروطه

در حقیقت انقلاب مشروطه جنگ مابین منافع انگلیس یعنی حرکت مشروطه خواهان و منافع روس یعنی عکس العمل مشروطه خواهان مانند **شیخ فضل الله نوری** (که مشروطیت را مغایر با مشروعیت اعلام کرده بود)، شاه و تعدادی از دولتیان بود. در انتها می بینیم که با به توافق رسیدن روس و انگلیس، مشروطه مشروعه به امضاء می رسد. به این ترتیب احکام شرعی عملاً ناظر بر تصویب و اجراء قوانین دولتی و اجتماعی می گردند.

لفظ **مشروطه مشروعه** بدین جهت در این کتاب عنوان شده است که با به تصویب رساندن الحاقی دو اصل اول و دوم متمم قانون

السلطنه رئیس الوزرا از کار کناره گیری کرد و محمد علی شاه، **میرزا احمد خان مشیرالسلطنه** را به جای او نهاد. محمد علی شاه پس از مذاکرات با نمایندگان دولت روسیه و طرح یک سلسله عملیات علیه انگلیس در چهاردهم خرداد ۱۲۸۷ ه. ش به قصد کودتا در **باغشاه** ساکن می شود. شاه در این روز تعدادی از نمایندگان مجلس را توقیف می نماید.

دو روز بعد **محمد علی شاه** پستخانه و تلگرافخانه را تصرف کرد و امور آنجا را به **حسینقلی خان مخبرالدوله** واگذار کرد و سیم های تلگراف به خارج را قطع نمود، حتی سیم تلگراف کمپانی های انگلیسی نیز قطع شد که در نتیجه آن، انگلیسی ها ساعتی ۴۰۰۰۰ تومان غرامت مطالبه نمودند. ماجرا از این قرار بود که در زمان تشکیل مجلس دوم دو فراکسیون به اصطلاح رقیب «**اعتدالیون**» و «**دمکرات**» که متعلق به «**احزاب اجتماعیون**» و «**دمکراتیون عامیون**» بودند و در سال ۱۹۰۸ تشکیل شده بودند، به نام های جدید بوجود آمدند.



حزب اعتدال که رهبری فکری آن در دست **سید محمد طباطبائی** بود، جناح راست و محافظه کار مشروطه خواهان را جمع کرده بود و از حمایت فئودال ها، اهل عمامه، اعیان و اشراف و شاهزادگان و بازاریان برخوردار بودند و در مجلس دوم دارای اکثریت بود. برخی از دیگر اشخاص این فراکسیون عبارت بودند از: سید احمد بهبهانی، علی محمد دولت آبادی، صدرالعلماء، محمد علی خان نصرت السلطان، ناصرالاسلام گیلانی، مرتضی قلی خان نائینی که لیدر فراکسیون بود، ذکاء الملک، معتمد خاقان، محمد تقی بنکدار، محمد تقی رزاز و علی اکبر دهخدا (که همراهی اش با این فراکسیون تعجب دیگران را همراه داشت). از مشروطه طلبان مشهور **سپهسالار اعظم (تنکابنی)**، **ستارخان** و **باقرخان** هم از این فراکسیون پشتیبانی می کردند. ارگان حزب اعتدالیون روزنامه «**انقلاب**» بود.

حزب دمکرات که جناح رادیکال مشروطه خواهان را دور خود جمع کرده بود خواستار «انفکاک کامل قوه سیاسی از قوه روحانی» و تقسیم املاک بین رعایا و مخالف تشکیل مجلس اعیان بود. رهبر واقعی آن **سید حسن تقی زاده** بود که با عده ای از همفکران خود چون **محمد**

افتتاح شد. انتخابات این دوره به صورت دو درجه ای انجام گرفت و عده و کلا مجموعاً ۱۲۰ نفر بود. در مجلس دوم پنج نفر اهل عمامه به انتخاب ملاهای نجف وکیل شدند و اقلیت های زرتشتی، مسیحی و کلیمی نیز نمایندگان خود را در مجلس فرستادند. بر مجلس دوم ۴ نفر ریاست کردند که به ترتیب عبارتند از: **مستشارالدوله صادق، ذکاء الملک فروغی، میرزا اسماعیل خان ممتازالدوله و مؤتمن الملک.**



تعدادی از نمایندگان دوره دوم

این مجلس در اثر اولتیماتوم روس دائر به اخراج **شوستر** توسط **ناصرالملک** و **صمصام السلطنه** رئیس الوزرا منحل شد. مجلس دوم طی جلسه ای، از فداکاری های **ستارخان** و **باقرخان** سپاسگزاری می کند و برای خنثی کردن آنها به ترتیب لقب سردار ملی و سالار ملی به آنان داده می شود و همچنین از جانبازی های **سپهدار تنکابنی** و **سردار اسعد بختیاری** تجلیل فراوان به عمل می آید.



در اواخر اسفندماه، **ستارخان** سردار ملی و **باقرخان** سالار ملی تبریز را به قصد تهران ترک گفتند. در شهرهای میان راه از آنها استقبال به عمل می آمد. احضار ستارخان و باقرخان به تهران به علت اختلاف شدید بین **حاج مخبرالسلطنه** والی آذربایجان و آنها بود. زیرا ستارخان در نتیجه پیروزی های متوالی تغییر کرده بود و آن مردمداری و صبر و حوصله و اطاعت از مقامات سیاسی را از دست داده بود و خیلی تندخو، عصبانی شده و از درک عمق مطالب عاجز شده

اساسی، همانطور که اشاره شد احکام شرعی عملاً ناظر بر تصویب و اجرای قوانین دولتی می گردند. به این طریق بود که مشروطه مشروعه در ایران و به قولی انقلاب مشروطیت به وقوع پیوست.

باید اشاره شود که در هر جامعه، نواندیشان و آزاداندیشانی بطور خود جوش پرورش می یابند که زمینه ساز تحولات، بهبود و توسعه در آن محیط و در آن جامعه می باشند. این روند مثبت که باعث تغییر روابط و ضوابط کهنه جامعه می باشد منجر به پیشرفت، رفاه، و آزادی بیشتر در آن جامعه می گردد. اما در ایران حرکت این میهن پرستان و فرزندان نواندیش میهن اهورایی همواره توسط خائنین مزدور خنثی شده است و نتوانسته اند مسئولیت خطیر خود را برای آزادی، آبادی و سرفرازی میهن خود به انجام برسانند، ولی در بعضی از کشورها که این روند فرهنگی- اجتماعی سیر طبیعی خود را طی نموده است، توانسته است جامعه ای نو، مدرن و رفاهی با افکاری ارزنده در جهت پیشرفت روزافزون در آن کشورها بوجود آورد.

پس از به تخت نشستن **احمدشاه** که در آن زمان دوازده سال بیشتر نداشت، به دلیل کمی سن **علیرضا خان عضدالملک** نایب السلطنه می شود و **محمد حسن میرزا** برادر احمد شاه که او نیز نه سال بیش نداشت به ولیعهدی انتخاب می شود. از طرف عضدالملک، **سپهدار تنکابنی** به وزیر الوزرائی انتخاب می شود.

پس از مذاکرات مفصل بین **محمدعلی شاه** پادشاه مخلوع و هیئت مدیره کمیسیون عالی انقلاب، قرار شد که محمد علی شاه ایران را ترک کند و دولت ایران سالیانه یکصد هزار تومان به او و خانواده او پرداخت کند و در عوض او هم املاکش را به دولت واگذار نماید و جواهرات سلطنتی را نیز پس دهد.

عین الدوله صدر اعظم **مظفردین شاه** و **میرزا احمدخان مشیرالسلطنه** صدر اعظم محمد علی شاه هر یک یکصد هزار تومان به دولت پرداختند و از آنها رفع سوء تفاهم شد.

در ۷ مهرماه ۱۲۸۸ شمسی روزنامه «شرق» به مدیریت **سید ضیاء الدین طباطبائی** (انگولفیل) که بیست سال بیش نداشت به دو زبان فارسی و فرانسه در تهران انتشار یافت. او پسر **میرزا علیخان یزدی** بود. این روزنامه در آن زمان به عنوان یک روزنامه اصلاح طلب، توجه مردم را به خود جلب نمود.



سید ضیاء

در این زمان، **ستارخان** که در اردبیل گرفتار و زندانی **رحیم خان** و شاهسون ها شده بود با عده ای از همراهانش فرار می کند و خود را به تبریز می رساند.

در ۲۴ آبان ماه ۱۲۸۸ شمسی دوره دوم مجلس شورای ملی با حضور **احمدشاه** و **عضدالملک** نایب السلطنه و سران دولت مشروطه

بختیاری ها از رئیس الوزرائی استعفاء می دهد و بنا به پیشنهاد **عضدالملک** نایب السلطنه و تصویب مجلس شورای ملی، **میرزا حسن خان مستوفی**

الممالک به ریاست وزرائی منصوب می شود.



مستوفی الممالک

به بهانهٔ ایجاد امنیت و آرامش، مجلس در مردادماه ۱۲۸۹ پیشنهاد هیئت وزراء را برای خلع سلاح آزادخواهانی که در پی ایجاد مشروطهٔ واقعی بودند و از ترکیب نمایندگانی که از طرف انگلیس در مجلس گمارده

شده بودند راضی نبودند و سر به شورش نهاده بودند، به تصویب رساند و متعاقب آن پلیس به فرماندهی **بهرم خان ارمنی** و کمک **نیروهای مسلح بختیاری** شروع به خلع سلاح مشروطه خواهان واقعی نمودند. تفنگچیان تحت فرماندهی **ستارخان** و **باقرخان** از تحویل سلاح خودداری کردند. دولت ناگزیر شد برای خلع سلاح آنها قوایی به پارک اتابک بفرستد. در نتیجه بین نیروهای دولتی به فرماندهی **سردار بهادر بختیاری** و **بهرم خان ارمنی** از یک طرف و ستارخان و باقرخان از طرف دیگر زد و خورد خونینی روی می دهد که در اثر آن از قوای دولتی ۷ کشته و ۲۳ زخمی و از تفنگچیان ستارخان و باقرخان ۱۸ کشته و ۴۰ زخمی باقی می ماند. ستارخان در این زد و خورد از ناحیهٔ پا مجروح شد و سرانجام تفنگچیان ستارخان و باقرخان خلع سلاح شدند و این دو به منزل **صمصام السلطنه** انتقال یافتند. در پی آن **ضرغام السلطنه** و افراد بختیاری نیز در شهر ری خلع سلاح شدند.

مستوفی الممالک رئیس الوزرا در کادر وزیران تغییراتی به این شرح داد: **عین الدوله** وزیر داخلی، **حسینقلی خان نواب** وزیر خارجه، **عبدالحسین میرزا فرمانفرما** وزیر جنگ، **صنیع الدوله** وزیر مالیه، **محتشم السلطنه** وزیر عدلیه، **شهاب الدوله** وزیر پست و تلگراف. برای وزارتخانه های علوم و اوقاف و فواید عامه و تجارت وزیر تعیین نشد. انگلیسی ها برای تحت فشار قراردادن نیروهای واقعی مشروطه در اواخر سال ۱۹۱۱ در جنوب، و روسیه در شمال ایران، نیروهای مسلح خود را پیاده کردند (به بهانه قرارداد ۱۹۰۷ تقسیم ایران) و مجلس بسته شد و در این زمان آزادخواهان واقعی قلع و قمع گشتند چرا که بوجود آمدن مشروطهٔ واقعی در قوانین مملکتی و دارا بودن یک مجلس با نمایندگان منتخب مردم نه به نفع روسیه و نه انگلیس بود.

بود. یک عده استفاده جو اطراف او را گرفته بودند و به نام او استفاده های نامشروع می کردند.

پس از ورود ستارخان و باقرخان با عده ای از تفنگچیانشان به تهران، دولت ستارخان و همراهانش را در پارک اتابک سکونت داد. باقرخان و همراهانش در عشرت آباد مسکن گزیدند.

پس از ورود ستارخان و باقرخان با عده ای از تفنگچیانشان به تهران، دولت ستارخان و همراهانش را در پارک اتابک سکونت داد. باقرخان و همراهانش در عشرت آباد مسکن گزیدند.



استقبال مردم از ستارخان در دروازه دولت تهران

در اوایل سال ۱۲۸۹ دولتین روس و انگلیس پیشنهاد نمودند که حاضرند هر یک ۲۰۰ هزار لیره به دولت ایران وام بدهند مشروط به اینکه قرارداد ۱۹۰۷ به مرحلهٔ اجرا درآید.

در ۲۴ تیرماه ۱۲۸۹ شمسی، چهار نفر وارد خانهٔ **آیت الله سید عبدالله بهبهانی** یکی از رهبران مذهبی انقلاب به اصطلاح مشروطه شده و او را به ضرب چند گلوله ترور می کنند. به مناسبت قتل سید عبدالله بهبهانی مجلس شورای ملی و بازار تهران تعطیل شد و عزای عمومی اعلام گردید. از این واقعه جناح راست مشروطه خواهان سوءاستفاده کرده و فراکسیون رادیکال را تحت فشار قرار می دهد و **سید حسن تقی زاده** را که مشروطه خواه اروپائی مسلک بود را متهم به ترور بهبهانی می کنند. در این زمان آخوندهای نجف تقاضای اخراج تقی زاده را از مجلس می نمایند و مجلس بر اساس تقاضای آنها به تقی زاده سه ماه مرخصی اجباری می دهد تا به فرنگ برود. در این زمان **سپهدار تنکابنی** به علت اختلاف با

هدف تیر یک ماجراجو قرار گرفت. انگلیسی ها در میان مردم شایعه کردند که قتل بدستور **محمد علی شاه** بوده است. پانزده روز پس از قتل **اتابک اعظم**، **مشیرالدوله** به علت خونریزی مغزی می میرد و مردم می گویند که شاه او را مسموم کرده است.

در ۲ اکتبر ۱۹۰۷ کمیته ای مرکب از شاهزادگان، کارمندان عالیرتبه دولت، سران نظامی، **اهل عمامه** و مرتجعین تشکیل شد و رسماً شاه را آگاه ساختند که اگر از مشروطیت جانبداری نکند و با مجلس کنار نیاید، از پشتیبانی آنها برخوردار نخواهد بود و شاه به ناچار در هشتم اکتبر پیوستگی خود را با مشروطه طلبان اعلام داشت و سوگند وفاداری از جانب خودش و نسل های آینده اش یاد کرد.

در ۲۶ اکتبر ۱۹۰۷ دولت تازه ای از طرف مجلس معرفی و شاه آن را تأیید نمود، این دولت صد در صد انگلیسی، توسط **ناصرالملک** دانش آموخته **اکسفورد** دارای (M. A)، اداره می شد که جز وزیر داخله اش بقیه وزیران درس خوانده اروپا بودند.



در ۱۲ نوامبر ۱۹۰۷ شاه به مجلس رفت و سوگند وفاداری خود را تکرار کرد.

در ۲۲ نوامبر عوامل تحریک کننده شاه که عبارت بودند از **شاپشال روس**، **سعدالدوله** و **امیر بهادر**، اختلال در مجلس و دولت را

شروع کردند و ناصرالملک نخست وزیر به کاردار انگلیس گزارش داد که دولت با وجود داشتن اتکاء و اعتماد کامل در مجلس، ناتوان از کار و فاقد توانایی است. مخالفت شاه و مجلس و دولت بالا گرفت.

(تصاویر روبرو از بالا: شاپشال روس، پاشاخان و سعدالدوله)



در ۱۵ دسامبر ۱۹۰۷ نطق های شدید اللحنی در مساجد و میدان های عمومی ایراد شد و **اهل عمامه** علناً شاه را متهم به خیانت کردند، مردم تحریک شده به جانب مجلس هجوم بردند و در میدان



گزارش «گازت دو لوزان» فرانسوی در مورد شروع انقلاب مشروطه

GAZETTE DE LAUSANNE 24/07/1909

در این تاریخ وزیرمختار فرانسه طی بررسی انقلاب مشروطه ایران در گزارشی به پاریس چنین می نویسد:

در ژوئیه سال ۱۹۰۶ مردم که از اعمال وزیر اعظم، **عین الدوله** خسته شده بودند و می دیدند، جان و مال آنها همه روزه در معرض تباهی است یک عده پانزده هزار نفری بعنوان عدالتخواهی به سفارت انگلیس رفتند. در آن زمان انگلیس بصورت پادشاهی مشروطه اداره می شد، و انگلیسی ها توسط چند تن از ایرانیان که در دوره **ناصرالدین شاه** رانده شده بودند، به این مردم تفهیم کردند که باید مشروطه خواهی کنند و رژیم مشروطیت چیست و چه می گوید. از آن پس کلمه «عدالت» رهاشد و لغت مشروطیت جای آن را گرفت.

مظفرالدین شاه نخست در صدد برآمد مقاومت کند ولی از ترس دشمنی های **اهل عمامه** که توسط انگلیسی ها از موجب «اود» برخوردار بودند، تسلیم شده و وزیر اعظم را برکنار ساخت و در تاریخ ۵ اوت ۱۹۰۶ با تأسیس پارلمان موافقت کرد.

در هشتم ژانویه ۱۹۰۷ پنجمین پادشاه سلسله قاجار مرد و زمام یک دولت تازه را بدست مرد سی و پنج ساله ای سپرد که بی تاب بود تا از قدرت مطلقه و عالی موجود در یک کشور شرقی لذت ببرد. اما زود سرخورد. فرصت طلبانی که در رأس آنها شاهزاده **نایب السلطنه**، عمو و پدرزن شاه قرارداشتند، شروع به سم پاشی نمودند و بدین سان در نخستین روزهای سلطنت پادشاه جدید جنبش های ضد سلطنت در تهران، تبریز و رشت بالا گرفت. در این میان **اهل عمامه** در میان گود بودند که از قم و کربلا و نجف، رهبری می شدند و منبرهایی بود که صدای آزادی سر می داد که آنها همگی از **موجب موقوفه «اود»** برخوردار بودند.

در ۱۷ مارس **مشیرالدوله** صدراعظم (انگلو فیل) برکنار می شود و صدراعظم پیشین **علی اصغرخان** معروف به **اتابک اعظم** (روسوفیل) به جای او گمارده می شود.

اتابک اعظم مشغول بکار می شود و اعتماد مجلس را جلب می کند ولی در ۳۱ اوت ۱۹۰۷ پس از پایان یافتن جلسه مجلس شورای ملی، هنگامی که وی از آستانه پارلمان می گذشت



گزارش وزیرمختار جمهوری فرانسه آقای استفان پیشون S.PICHON

تهران، ۲۳ ژوئیه ۱۹۰۹، شماره ۱۰۱:

وقتی من نامه شماره ۹۶ را تمام کردم، **محمد علی شاه** هنوز اطلاعی از برکناری خویش و تصمیم انقلابیون مبنی بر تعیین جانشین او نداشت و من نوشتم که او به زحمت خواهد توانست به جدایی از فرزند محبوبش رضایت بدهد. عصر روز جمعه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ پس از اعلام سلطنت **احمد میرزا، سپهدار** و **سردار اسعد** به کردار سفارت روسیه اطلاع می دهند که فردا به سفارت روس خواهند آمد تا مراتب را به آگاهی شاه مخلوع برسانند. شاه در نهایت اندوه به آقای **سابلین** SABLIN وزیرمختار روسیه پیشنهاد کرد یکی دیگر از پسرانش را بدین سمت انتخاب کنند و سرانجام از جا برخاست و گفت می خواهد با همسرش مشورت نماید، آنگاه در را گشود و **ملکه** را پشت در، درحالیکه به حرف ها گوش می داد یافت. ملکه خطاب به آقای سابلین گریه کنان و بی پروا سخنانی دال بر شماتت سیاست روس که بی جهت با وعده ها و امیدهای نابجای خود موجب چنین اوضاعی شده اند، ادا کرد.

پس از آن شاه جویای وضع خودش در روسیه شد و قرار شد با یک اسکورت سیصد نفری از قزاق به روسیه تبعید شود. شرایط به تخت نشستن احمد میرزا که دوازده سال بیش نداشت بسیار دشوار بود. **عضدالملک** به سمت **نایب السلطنه** مشغول کار شد. در داخل ایران، جنگ و نزاع و ستیز (هواداران روسیه و انگلیس) ادامه دارد و خزانه مملکت خالی است، حقوق کارکنان دولت پرداخت نشده، سررسید وام های بیشمار رسیده و محل پرداخت وجود ندارد. در زمینه خارجی با وساطت دولت فرانسه «**سیاست تفاهم**» بین روس و انگلیس برقرار شده و هرکس سهم خویش را برداشته بود.

ایران را هم به **دو منطقه نفوذ** در سال ۱۹۰۷ تقسیم کرده بودند و منطقه ای را هم که جز بیابان خشک و خالی نبود، بعنوان بی طرف اعلام داشته بودند، شمال متعلق به روسیه، جنوب هم متعلق به انگلیسی ها بود.

بهارستان اجتماع کردند، دولت استعفاء داد ولی شاه نپذیرفت. فرمان احضار **ناصرالملک** داده شد و زجر و شکنجه شد. وزیران همگی در کاخ توقیف بودند، بازارها بسته شد، طرفداران شاه میدان توپخانه را اشغال کردند و محله های مهم را گرفتند.

تحصن تعدادی از مشروطه خواهان در منزل میرزا محسن صدرالعلما



اعتصاب بازاریان و تعطیل بازار



سفارت انگلیس که از توقیف **ناصرالملک** آگاه شده بود مداخله می کند و بهانه اش این بود که نخست وزیر دارای **نشان صلیب بزرگ** از درجه **سن میشل** و **سن ژرژ** است. نخست وزیر نجات یافت و به اتفاق نماینده انگلیس با همکارانش کاخ را ترک می کند و همان شب به جانب اروپا عزیمت می کند.

روز ۲۲ دسامبر ۱۹۰۷ نمایندگان روس و انگلیس به کاخ رفتند و شاه را از خطری که در کمینش بود، در صورتی که مشروطیت و همکاری با مجلس را نپذیرد، آگاه ساختند. و باز شاه اطمینان صریح داد.

شاه که پس از کودتای شکست خورده اش از قصر خارج نشده بود، در ۲۸ فوریه ۱۹۰۸ تصمیم گرفت از شهر بیرون برود. دو بمب بر اتومبیل او افکنده شد که آنرا خرد کرد و تنها احتیاط باعث شد شاه نجات پیدا کند، چرا که شاه در کالسکه بعدی سوار بود.

ایران، با عوامل **فراماسونری** خود در رژیم گذشته شورش ۵۷ را بر مردم ایران غالب نمودند و باعث **سیه روزی** در حد نهایت مردم آزاده ایران شدند. **انگلیس، آمریکا، اسرائیل** و اروپا در این سیه بختی ۳۰ ساله مردم ایران دخالت مستقیم داشته اند و نه تنها در به قدرت رساندن **ملایان** و **اهل عمامه ضد ایران و ایرانی** برای نابودی فرزندان ایرانزمین نقش داشته اند، بلکه همواره در تحکیم و **استمرار** این حکومت دزد و قاتل ضد ایران و ایرانی از هیچ تزویر، نیرنگ و جنایتی علیه مردم ایران رویگردان نبوده اند. در این میان میلیون ها تن از فرزندان ایرانزمین را به قتلگاه ها روانه نموده اند و **مام میهن** را بیمار ساخته اند. **استعمارگران** اکنون نیز برای **تجزیه** و **نابودی** نهایی ایرانزمین طرح ها و برنامه های گوناگون را تدارک دیده اند از جمله داد و ستدهای میان آنها باعث شد **روسیه** وارد **گرجستان** شود و در قبال آن سرنوشت ایرانزمین بیش از پیش رو به قهقرا رود. به معنای دیگر به تجزیه کشاندن ایران بزرگ؛ برای همین طرح نهایی بود که ملایان را در ایران به قدرت رسانیده اند. همانگونه که دیدیم قبل از شورش و فاجعه ۵۷ آمریکا و انگلیس و اسرائیل به روسیه چراغ سبز را برای حمله و تصرف افغانستان نشان دادند.

حال می پردازیم به **محمد باقر قالیباف** که عروسک جدید خیمه شب بازی جهان استعمار می باشد، برای گمراه نمودن جنبش و حرکت مردم ایران برای براندازی و نابودی حکومت جبار اسلامی.

محمد باقر قالیباف متولد اول شهریور ۱۳۴۰ در شهر مشهد می باشد. وی در سن ۲۲ سالگی به دلیل دارا بودن شور مزدوری و انقلابی مذهبی به قول خودش پس از ایثار فراوان برای **تحکیم اسلام در ایران**، فرمانده لشکر پنجم نصر خراسان در جنگ ایران و عراق می شود. وی دوره خلبانی را نیز گذراند و در سال ۱۳۷۳ **فرمانده قرارگاه خاتم الانبیاء** شد که یکی از مؤسسات مالی نظامی وابسته به سپاه پاسداران بود و توسط رفسنجانی بنیان نهاده شد.

او در سال ۱۳۷۶ به دلیل وابسته بودن به سیستم **فراماسونری یهودی حجتیه** به فرماندهی نیروی هوایی سپاه پاسداران گمارده شد، در این زمان در خردادماه ۱۳۷۶ در دو پایگاه ظاهراً هوایی در حوالی اصفهان وی مسئولیت آموزش **خلبان های انتحاری القاعده** را به عهده گرفت و تا اواسط سال ۲۰۰۱ بیش از ۱۰۰ خلبان انتحاری تروریستی آموزش داد همانطور که دیده شد این خلبان ها در انهدام برج های مرکز اقتصادی در نیویورک و پنتاگون و دیگر نقاط جهان فعال بودند



یعنی منطقه ای در شمال خط اصل از قصر شیرین به اصفهان- یزد - گردنه ذوالفقار به روس تعلق داشت. بلوچستان و سیستان و افغانستان و خلیج فارس که حافظ هندوستان بود بعلاوه خطی که از گردنه ذوالفقار- بیرجند یزد - به بندرعباس منتهی می شد منطقه انگلیسی ها اعلام شد و منطقه خارج از این دو محدوده بیطرف اعلام گردید.

قالیباف و نمایش مجدد انتخاباتی اسرائیل در ایران



تصمیم گرفته شده است که **محمد باقر قالیباف** با قرهای زیبایی که به صورت کلامی و تبلیغات استعمارگران مذهبی غربی داده می شود، با توصیه **سیاستمداران ضد ایرانی در اسرائیل** به **ناپلئون ایران** تبدیل شود و دگر بار سناریوی جدیدی همچون زمان رفسنجانی، خاتمی و احمدی نژاد طراحی و اجرا شود.

در این روند مردم ایران را به طریق دیگری با **نیرنگ** و تزویر فریب می دهند تا بتوانند به استمرار حکومت جبار، دزد و قاتل اسلامی ادامه دهند و در این راستا **ثروت** و **سرمایه** و نیز روح ایرانزمین را **نابود** سازند. **استعمارگران امپریالیست مذهبی** برای سودهای اقتصادی خود و به یغما بردن بیشتر ثروت و سرمایه در

تلاش فراماسونری فرانسه برای تبدیل قالبیاف به ناپلئون ایران

کوروش عرفانی



شبکه حامیان رژیم در خارج از کشور متشکل از ایرانیان وابسته به جمهوری اسلامی، خدمتگزاران مجانی مانند توده ای - اکثریتی های

شرمنده و نیز خارجیانی است که بنا به دلایل اقتصادی یا در جهت حفظ منافع کشورشان به پشتیبانی، مشروعیت بخشی و پا اندازی به نفع رژیم ضد انسانی و ضد ایرانی جمهوری اسلامی مشغول به خدمت هستند. در فرانسه عده ای از باصطلاح «ایران شناسان» و یا «متخصصین ایران» هستند که به وزارت خارجه و نیز وزارت دفاع این کشور وابسته بوده و سال هاست که در پوشش «پژوهش های ایران شناسی» به کسب اطلاعات در زمینه های مختلف در داخل ایران مشغول بوده و نتایج کار خود را در اختیار نهادهای تصمیم گیری حکومتی، باندهای پشت پرده و یا شرکت های بزرگ نفتی مانند توتال می گذارند تا از این طریق فرانسه بتواند به بهترین نحو ممکن منافع خود را در ایران حفظ کرده و مانع از تغییری شود که بتواند قراردادهای استعماری امضاء شده توسط رژیم را زیر سؤال ببرد.

دانشمندان حامی رژیم

دو چهره شناخته شده این گروه پژوهش نما عبارتند از «یان ریچارد [۱]» و «برنارد هوکارد» [۲]. یان ریچارد که در حال حاضر در بازنشستگی به سر می برد از پا اندازان معروف و بنیانگذار یک واحد به ظاهر علمی به نام «جهان ایرانی» بود که در چارچوب مرکز پژوهش علمی فرانسه [۳] فعالیت می کند. بسیاری از ایرانی ها نیز برای یک لقمه نان یا یک موقعیت شغلی یا اهداف سیاسی با این واحد همکاری کرده و می کنند. آنها که در فرانسه هستند توسط این واحد به داخل ایران فرستاده شده و با یاری شعبه ای از این واحد که در ایران تأسیس شده به تحقیقات میدانی دست زده و اطلاعات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دست اول کسب کرده و آنها را در اختیار این واحد در فرانسه می گذارند. این واحد نیز با تجزیه و تحلیل داده ها و گزینش هدفمند آنها

البته این نیز نمایی برای هماهنگ نمودن سیاست استعماری امپریالیسم جهانخواه بوده است.

برای سپاس از عملکرد وی در تعلیم تروریست ها وی در سال ۱۳۷۹ به فرماندهی نیروی انتظامی گمارده می شود و در ۱۴ شهریورماه ۱۳۸۴ برای بهره برداری بیشتر از مافیای قدرت و ثروت، به شهرداری تهران گمارده می شود. وی پیش از آنکه به شهرداری تهران گمارده شود در نمایش انتخابات ریاست جمهوری دولت نهم شرکت کرد.

وی ادعا دارد که دکترای جغرافیای سیاسی دارد، البته او نیز مانند دیگر سران حکومتی خود را مزین به مدارک دکترا و مهندسی دروغین نموده است. در حال حاضر روزنامه حزب الله و تهران امروز توسط وی حمایت و پشتیبانی می شود و او یکی از سرسپرده های رفسنجانی و علی خامنه ای می باشد. وی مانند دیگر دزدان حکومتی از راه پخش و قاچاق موارد مخدر و در دسترس جوانان ایرانزمین نهادن، جامعه ایران را بیمار نموده است. وی در مافیای نظامی - اقتصادی سپاه پاسداران سودهای کلان برده است و برای اینکه خود را صادق و درستکار جلوه دهد از آنها انتقاد نیز نموده است و بحث مافیای ثروت و قدرت را به پیش کشیده است، در صورتی که وی در شورای فرماندهی آن قرار دارد. به دلیل عضویت او در شبکه فراماسونری یهود حجتیه در حال حاضر وی به مرحله یکی از سردمداران مخفی این مافیای استعماری - مذهبی ضد ایران و ایرانی می باشد. او همچنین در قتل و کشتار مهین پرستان و فرزندان ایرانزمین دست داشته است و اکنون در مقام شهردار تهران میلیاردها تومان اختلاس و باج از فرزندان ایرانزمین مطالبه و وصول نموده است و با بستن مالیات های کمرشکن بر مسکن و اماکن اقتصادی باعث فقر و ورشکستگی بیشتر فرزندان ایرانزمین شده است. وی با همکاری عوامل دیگر حجتیه از جمله اکبر رفسنجانی (بهرمانی) و استفاده از امکانات مافیای ثروت و قدرت از اماکن عمومی برای برج سازی و کلاهبرداری قانونی از مردم در فروش مسکن به قیمت های گزاف در نابودی اقتصادی ایران و فرزندان میهن سهمیم بوده است. اکثر سران حکومتی و همچنین بسیاری از فرماندهان بالای سپاه و بسیج و نیروهای انتظامی و قوای ارتش از جمله محسن رضایی، سرتیپ افشار، سرلشگر شمخانی نیز از همکاران و اعضای لژ فراماسونری حجتیه هستند که با مسئولیت و استادی مصباح یزدی اداره می شود. لژ فراماسونری حجتیه وابسته به لژ بزرگ اسدآبادی می باشد که آن نیز وابسته به لژ فراماسونری اسکاتلند است.

از آنجا که **رشد واقعی** و **دمکراتیک** جامعه ایران برای آینده **منافع سرمایه داری جهانی** به طور عام و سرمایه داری فرانسه به طور خاص بسیار **خطر ساز** است، بهتر است که کشور عظیم و با پتانسیلی مثل ایران همیشه در سیطره حاکمیت های بی لیاقت و **قابل کنترل** باشد. بروز انقلاب در سال ۵۷ نشان داد که جامعه ایران بدون دخالت خارجی ها می توانست شانس یافتن مسیر دمکراسی را تا حدی داشته باشد. برای از میان بردن این شانس بهتر بود که ما **دخالت** کنیم. این فرصت در **کنفرانس گوادلوپ** پیش آمد و ما با همکاری آمریکا و انگلستان که اهدافی مشابه ما داشتند موفق شدیم رهبری انقلاب را تعیین کنیم. خمینی را به فرانسه آورده و با همکاری دو کشور دیگر حامی وی - **انگلستان و اسرائیل** - کسانی را که باید ساختارهای اصلی نظام آینده را در دست می داشتند تعیین و آماده ساختیم. بعد شاه را کنار زده و با توهم این که انقلاب به پیروزی رسیده است حکومت **خمینی** را در آنجا مستقر ساختیم. بعد از آن و در طول سی سال گذشته در حال بهره بردن از این هوشیاری و زرنگی خود هستیم. برای **منافع** ما در ایران و منطقه هیچ رژیم نمی تواند **احمقانه تر** - پس بهتر - و **ضد ایرانی تر** از رژیم فعلی عمل کند، به همین خاطر هر یک روز که به عمر آن اضافه کنیم یک روز بیشتر از این **خوان یغما** استفاده کنیم.

نتیجه: باید هر گونه خطر **تغییر رژیم** را در ایران شناسایی، **بی اعتبار** و **خنثی** کنیم و اجازه دهیم که قدرت سیاسی دست به دست در درون خود نظام جمهوری اسلامی بچرخد تا این غارت سی ساله به چهل و پنجاه و شصت سال برسد.

در سایه یک چنین تز پنهان شده اما بدیهی است که این گروه **پژوهشی-جاسوسی** سال هاست به تهوع آورترین شکل ممکن در کنار جناح ها و شخصیت های مختلف رژیم به دفاع جانانه از آن پرداخته و با قدرت تمام **اپوزیسیون برانداز** رژیم را بی اعتبار و تضعیف ساخته است.

سابقه خوش فرانسه درباره رژیم

تا دوره پایان **جنگ استراتژی** دولت فرانسه بر این بود که از خوان یغما جنگ هشت ساله چیزی نصیبش شود. شرکت های نفتی فرانسوی نفت دو طرف را به صورت قاچاق به بهای **زیر قیمت بازار** نفت می خریدند. دولت فرانسه به طور رسمی به دولت عراق میلیارد ها دلار تسلیحات فروخت و به طور غیر رسمی و از طریق **قاچاق** به جمهوری اسلامی. پرونده **ایران گیت** با

نهادهای سیاسی، تصمیم گیری و اقتصادی فرانسه را، برای انتخاب سیاست های دقیقی که **منافع فرانسه** و یا باندهای حاکم بر فرانسه را تأمین نماید، تغذیه می کنند. تاکنون بخشی از این **اطلاعات** به دستور **مقامات فرانسوی** به شکل های مختلف کتبی و شفاهی، مستقیم و غیر مستقیم در اختیار رژیم گذاشته شده تا آنها برای بقای نظام جمهوری اسلامی و مقابله با خطرات گوناگون از این داده ها استفاده کنند. این خدمت رسانی بهایی است که این «**ایران پژوهان**» باید در اختیار رژیم بگذارند تا اجازه فعالیت برای کسب اطلاعات و «**جاسوسی پژوهش گونه**» در ایران داشته باشند. این واحد تاکنون حاصل زحمات چندین پژوهشگر ایرانی را بالا کشیده و به آنها هیچ حق **مادی** یا **معنوی** نداده است. آنها همچنین در **مدیریت شهرداری تهران**، که یکی از **آشفته ترین** شهرهای جهان است، به طور غیر مستقیم دست داشته و برای بستن قراردادهای کلان مانند **مترو تهران** برای **شرکت های فرانسوی** پاندازی می کنند.

چهره دیگر این باند تحقیقاتی «**برنارد هوکارد**» است که سال هاست به عنوان یکی از فعال ترین عناصر این تیم در جهت لابی گری مورد نیاز شرکت های بزرگ نفتی و اقتصادی دیگر مانند رنو و شرکت **مترو فرانسه** در حال تلاش است تا ایده **با ثبات بودن رژیم** را جا بیندازد. او که به ظاهر تخصص جغرافیا دارد به خود اجازه می دهد درباره فرهنگ، تاریخ، فلسفه، جامعه شناسی و امور سیاسی ایران اظهار نظر کند. تز اصلی این گروه به ظاهر پژوهشی از بیست سال پیش تا کنون به این صورت خلاصه می شود [۴]:

انقلاب سال ۵۷ محصول **ناسیونالیسم و اسلامیت** جامعه ایرانی بوده است رژیم جمهوری اسلامی برخاسته از انقلاب است بنابراین هم ناسیونالیسم ایرانی را نمایندگی می کند و هم اسلامیت آنرا. لذا دارای یک **مشروعیت کامل** است. به این دلیل دیگر نباید رویای تغییر آن را داشت زیرا بهترین نظامی است که می توانست از جامعه ایران بیرون بیاید. اما این رژیم در درون خود متحول می شود. زیرا رژیمی است پویا و دارای پتانسیل های قوی برای بهتر شدن و تبدیل شدن به یک **حکومت متعارف و معمولی**.

با یک چنین ایده اصلی و بنیادین، این گروه **شبه پژوهشی** تز دیگری را دنبال می کرده است که هرگز راجع به آن چیزی نمی گویند، اما در **لابلای خطوط** می توان ایده و انگیزه واقعی را یافت :

بود توسط سعید حجاریان در مرکز مطالعات ریاست جمهوری مورد نظر و عمل قرار گرفت.

روی کار آمدن خاتمی و باند تبهکار او توسط ایران شناسان پارسی جشن گرفته شد و به عنوان تحولی تاریخی اعلام گردید. تبلور این تحول تاریخی ایران شناسانه را می توانیم در قرارداد شرکت توتال ببینیم که توسط وزارت نفت دولت وطن فروش خاتمی به فرانسه اهدا شد و سبب شد که این شرکت از ورشکستگی مالی نجات یافته و در زمره شرکت های عظیم نفتی سود ده قرار گیرند. سال گذشته در جنگ های داخلی جناح های قدرت در فرانسه افشاء شد که رشوه های کلانی از جانب توتال برای کسب قرارداد به مقامات رژیم پرداخت شده است. [۹] باند اصلاح طلبان و شخص بهزاد نبوی به عنوان رئیس شرکت «پتروپارس» برندگان این قراردادهای وطن فروشانه بودند.

باید دانست که از همان دوره خمینی و بعد رفسنجانی و سپس خاتمی رژیم در ازای این سفره چرب باز شده به روی شرکت های نفتی و سایر شرکت های فرانسوی حق خود را طلب می کرد: ... آزادی انیس نقاش تروریست در خدمت رژیم، ... ترورهای سیاسی متعدد تا سال ۱۹۹۵ و از جمله قتل شاهپور بختیار در سال ۱۹۹۱، سخت گیری نسبت به مخالفان فعال رژیم در فرانسه و ... برخی از این موارد می باشند.

پس، تا پایان دوره خاتمی «ایران شناسان» دولتی-فراماسونی- سفارشی در سه حرکت تاریخی موفق شدند:

- تدارک تحمیل و تحویل خمینی به ملت ایران،
- انداختن اقتصاد ایران روی ریل سرمایه داری جهانی در دوره ی رفسنجانی،
- جستادن رژیم از خطر فروپاشی و تأمین هشت سال بقای آن از طریق خاتمی و اصلاح طلبان قلابی.

روی کارآمدن احمدی نژاد و شتاب سراسیمه پاسداران به سوی سلاح اتمی باعث سردرگمی «ایران شناسان» پارسی شد. افزایش احتمال یک درگیری نظامی با رژیم و پیامد آن، یعنی تغییر رژیم، چنان آنها را ترسانده است که باند پژوهشگران قلابی مانده است حالا بساط خود را در کجای پهنه رژیم باز کند و زیر پرچم چه کسی سینه بزند. آنها به شدت نگران این هستند که قدرت های تصمیم گیرنده در فرانسه، بنا به دلایلی که ناشی از افزایش بی سابقه قدرت آمریکا در تحمیل نظر خویش به زور حمله نظامی است، نخواهند از قافله عقب بمانند و با سناریوی تهاجم به ایران همراه شوند. به همین دلیل نیز این خطر برای آنان افزایش یافته است که دولت سارکوزی بدون توجه به نصایح

دخالت ژاک شیراک [۵] نخست وزیر وقت و نیز شارل پاسکوا [۶] وزیر کشور در آن موقع یکی از نمونه های این سیاست پاندازانه است.

پس از پایان جنگ و به فاصله ای آن قدر کوتاه که اسباب تمسخر دولت فرانسه در روزنامه های داخلی آن موقع هم شده بود، رولان دوما [۷] وزیر خارجه وقت فرانسه شتابان به ایران آمد و گفت که باید گذشته ها را فراموش کرد و به فکر ساختن آینده بود. منظور او این بود که حالا به ما پول بدهید تا ویرانی هایی را که با بمب هایی که به عراق فروخته بودیم به بار آمده، بازسازی کنیم.

مرگ خمینی و رسیدن ریاست جمهوری رفسنجانی همچو در باغ سبز بود که به روی فرانسه باز شد و واحد «جاسوسی-پژوهشی» پابرهنه به سوی او دوید که وی را میرزا تقی خان امیرکبیر وقت ایران اعلام دارد. در متن هایی که «یان ریچارد» درباره وی نوشته است رفسنجانی آدمکش و جنایت پیشه ضد ایرانی به عنوان فردی «باز، معتدل، اهل گفتگو و مترقی» معرفی شده است که می تواند سرنوشت ایران را عوض کند. این خبر مطرح بود که زمانی که یان ریچارد به دیدار رفسنجانی در ایران می رود دست وی را می بوسد.

به همت همین دست بوسی ها بود که رفسنجانی سیاست پیشنهادی این اسلام شناسان سرمایه داری را پذیرفت و با اجرای «سیاست تعدیل اقتصادی» در دوره دوم ریاست جمهوری خود تمامی خواست های بانک جهانی و صندوق جهانی پول را به اجرا درآورد و با بردن اقتصاد ایران به سوی جریان جهانی شدن، طبقه متوسط ایران را متلاشی کرد و میلیون ها ایرانی طبقه محروم را به سوی خط فقر راند.

پس از پایان هشت سال خدمت رسانی به رفسنجانی، «ایران شناسان» فرانسوی که از خطر انفجار اجتماعی در جامعه ایران خبر داشتند به سوی سناریویی رفتند که این خطر را کاهش دهد. فراموش نکنیم که به طور مثال بلافاصله پس از قیام خطر ساز اسلام شهر در سال ۱۳۷۵ این واحد گروهی از پژوهشگران ایرانی در استخدام خود را به آنجا ارسال داشت تا با یک سری تحقیقات میدانی ابعاد خطر را خوب بسنجند. [۸] با اطلاع از این گونه خصوصیات ریز اجتماعی - اقتصادی بود که ایران شناسان در خدمت شرکت های نفتی سفارش اکید بر تغییری در ظاهر حاکمیت دادند که بتواند به عنوان سوپاپ تخلیه انفجار عمل کند. این همان آماده سازی برای جریان دوم خرداد

شبکه از ریاست جمهوری خاتمی را، که خود نیز عضو جریان فراماسونری است، اعلام دارد. ژیسکار دستن همان کسی است که به دستور شبکه ی فراماسونری خود در گوادلوپ نقش فعالی در جا انداختن ضرورت جایگزینی شاه با خمینی در میان اعضای کنفرانس فوق ایفا کرده بود. این لژ بر این باور بوده است که ضروری است در مقابل توسعه ی سریع اسرائیل در خاورمیانه یک قدرت منطقه ای برای حفظ تعادل وجود داشته باشد. این لژ مخالف اسرائیل نیست، اما نمی خواهد این کشور کل خاورمیانه را به نمایندگی از آمریکا و بدون حضور فعال و سهم گیری سرمایه داری اروپا تحت سیطره ی خود بگیرد. علت مخالفت ژاک شیراک با حمله ی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ نیز در این راستا معنا می یابد.

اینک نهادهای وابسته به این جریان فراماسونری سازشکار بار دیگر و بعداز آنکه دولت شیراک تلاش کرد با قربانی ساختن اپوزیسیون ایرانی برای خاتمی فرش قرمز پهن کند، در صدد هستند که از درون رژیم به هر قیمت شده یک جایگزین نوکر صفت و ضد مردمی دیگر فراهم کنند.

در این راستا به نظر می رسد که سفرهای مکرر قالیباف و سفر اخیر اکبر ولایتی، نماینده ی ولی فقیه، به فرانسه با این هدف است که بباوراند رژیم جمهوری اسلامی یکدست نیست و احمدی نژاد نماینده ی تنها بخش کوچکی از آن است که می تواند توسط عناصری مثل محمد باقر قالیباف کنار گذاشته شود. گزارش ها چنین حاکیست که قالیباف، پاسدار جنایتکار سابق و شهردار کنونی تهران از چند ماه پیش به بهانه ی «آموزش خلبانی» هر ماه یک سفر به فرانسه می کند و دیدارها و ملاقات های مهمی را با شخصیت های پشت پرده ی سیاسی در این کشور صورت می دهد.

طنز تاریخ در این است که قالیباف یکی از همان فرماندهان سپاهی بود که در نامه ای تهدید آمیز مهره ی مورد علاقه ی این آقایان نظریه پرداز فرانسوی، خاتمی، را مورد تهدید قرار داده بودند. [۱۵] اما او بعد ها توسط خاتمی به مقام ریاست ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز منصوب شد [۱۶] و از این دزدبازار میلیاردها تومان به جیب زد.

قالیباف پیش از این فرماندهی لشکر پنج خراسان، فرمانده ی قرارگاه خاتم الانبیا، فرماندهی نیروی هوایی سپاه پاسداران و در سال ۱۳۷۹ ریاست نیروی انتظامی را بر عهده داشت و سرکوبگری منظم و سازماندهی شده را در ایران برنامه ریزی کرد. او سیستم جاسوسی و خبررسانی سرکوبگری به نام

«ایران شناسانه» کارمندان خود در واحد «دنیای ایرانی»، به سراغ یک برخورد متفاوت و رادیکال با جمهوری اسلامی برود. امری که در همسویی با سناریو آمریکا می تواند به معنای تغییر رژیم در ایران باشد.

اگر چنین اتفاقی بیافتد بدیهی است که بساط سی ساله «ایران شناسان» پارسی به شدت به هم خواهد خورد و چه بسا بودجه آنها کم و یا قطع شده و یا مدیریت دیگری بر آن سوار شود. در این صورت یکی از پایه های اصلی لابی گری رژیم و نیز دلال بازی شرکت های مستقر در ایران به هم خواهد ریخت. در چنین شرایط پر هل و بلایی که زنگ پایان فعالیت های «ایران شناسی» سیاست زده در فرانسه به پایان رسیده است شخصیت اصلی، این جریان، برنارد هورکاد، به دست و پا افتاده و از هر فرصتی برای اظهار فضل در مورد شرایط ایران در رسانه های فرانسه بهره می برد تا از فروپاشی امپراتوری سی ساله خود در کاسب سالاری علمی در فرانسه جلوگیری کند.

آخرین مصاحبه برنارد هورکاد درباره ایران با روزنامه فرانسوی لوموند است که در آن تلاش های مفتضحانه و شرم آور این شبه محقق را برای خریدن اعتبار و آبرو برای رژیم پوسیده و رو به سراشی جمهوری اسلامی از یک سو و دشمنی آشکار وی با شکل گیری هر گونه آلترناتیوی در خارج از نظام را می بینیم. هر چند که وی نماینده یک جریان رو به افول است اما نگارنده مناسب دید تا به ایرانیان نشان دهد که در مورد رژیم هایی از نظر تاریخی حرامزاده و بی ریشه، مانند جمهوری اسلامی، هرگز نقش حامیان منفعت طلب خارجی آنها را نادیده نگیرند و هرگز باور ندارند که قدرت های سرمایه داری و استعماری نسبت به سرنوشت تاریخی ما بی تقصیر و بی تفاوت هستند.

قالیباف: ناپلئون ایرانی تولید فراماسونری فرانسه

در حالی که علائم فراوانی خبر از آغاز دوره افول رژیم در داخل و در صحنه جهانی می دهد، در حالیکه بسیاری از تحلیلگران در مورد فروپاشی یا سرنگونی رژیم مردد هستند، در حالیکه بسیاری شمارش معکوس انهدام رژیم را آغاز کرده اند، جالب است ببینیم چگونه این جریان کهنه کار فراماسونری فرانسوی، [۱۰] که بقای رژیم جمهوری اسلامی را برای حفظ تعادل منطقه و ثبات جهانی لازم می دانند، در تلاش است کار مهم دیگری صورت دهد. [۱۱] بعد از انتخاب خاتمی، یکی از مهره های اصلی لژ «شرق بزرگ» [۱۲] ریس جمهور سابق فرانسه، والرئ ژیسکاردستن، به ایران سفر کرد تا حمایت این

بازاری شکل گرفته است چیست چنین اظهار فضل می کند و در این میان، کارت های جدیدی را که **جناب سازشکار** دولت فرانسه - بشنوید **جریان فراماسونری** حامی سی ساله ی رژیم - در پی سرمایه گذاری بر روی آنهاست چنین آشکار می کند:

«برقراری یک ایران نوین بدون از دست دادن هویت خویش. آنها اشتباه خاتمی را فهمیده اند: فراتر از رهبری؛ خداحافظ شما. این افراد با قرار گرفتن زیر علم رهبر می خواهند از ارزش های بنیادین دفاع کنند. بیشتر از آنچه بتوان ایشان را **محافظه کارنامید** آنها خود را **اصول گرا** معرفی می کنند. این یک حزب نیست، بلکه شخصیت هایی هستند مثل **علی لاریجانی** [۱۸]، مذاکره کننده پیشین پرونده ی اتمی، **محسن رضایی**، فرمانده ی سپاه پاسداران در زمان جنگ.»

وی سپس به وصف مهره ی اصلی مورد نظر جریان فوق پرداخته و از کشف تاریخی خود که «**ناپلئون ایران**» است اینگونه پرده برداری می کند: «**شاخص** ترین چهره ی این جریان شهردار تهران **محمد باقر قالیباف** است. کاندیدای ناکام انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۵ او بدون شک خود را برای انتخابات سال ۲۰۰۹ معرفی خواهد کرد [۱۹]. در سن ۲۳ سالگی او فرماندهی ۱۵ هزار نفر را در نبرد خرمشهر بر عهده دارد. او یک **بناپارت** ایرانی [۲۰] است، با دیدگاهی پویا از روابط خارجی. امسال او به **داووس** [۲۱] رفته بود. او می خواهد طبقات متوسط را با خود همراه سازد و ایران را از فاجعه اقتصادی بیرون کشیده و اعتبار را به ایران بازگرداند. در مقابل **احمدی نژاد** این ممکن است که توافق هایی میان او، **اصلاح طلبان** و **مصلحت گرایان** ریس جمهور سابق **رفسنجانی** صورت گیرد.» [۲۲]

این ایران شناس ضد ایرانی در پایان و پس از مفتخر ساختن پاسدار **قالیباف**، قاتل جوانان ایران در زمان جنگ و **عامل کشتار دانشجویان در جریان قیام ۱۸ تیر ۱۳۷۸** به مقام «**ناپلئون بناپارت ایران**»، در پایان اینگونه نتیجه گیری می کند: « برای این است که باید جرات کرد با ایران گفتگو کرد. باید او را به این چشمه ارزش های جهانی که بقیه ی جهان را سیراب می کند وصل کرد. اما بدون آنکه یک الگوی بیرونی را تحمیل کنیم. **شیرین عبادی** برنده جایزه ی نوبل مثال خوبی است: او از حقوق بشر دفاع می کند ولی فرهنگ و مذهب خویش را نفی نمی کند. **شیرین عبادی** های دیگری هم هستند. در زمینه ی سیاسی، **قالیباف** و پیروان **راه سوم** شاید شانس برای متحول ساختن امور داشته باشند. اینجا نیز این به ایرانی ها بستگی دارد، و نیز به ما

۱۱۰ را سازمان داد و **قاتل هزاران جوان ایرانی** محسوب می شود. وی بعد از این پست های جنایت پیشگی، به سوی نرم کردن تصویر خویش پرداخت و برای خود در **دانشگاه پست استادی درست کرد** و در دپارتمان جغرافیای دانشگاه تهران، همان نهادی که «ایران شناسان» سیاسی فرانسه در آن بسیار فعالند، مشغول تدریس شد. او برای کسب تجربه در **انتخابات نهم** ریاست جمهوری هم شرکت کرد و بعد از شکست مفتضحانه به سوی **شهرداری تهران** رفت و با استفاده از شبکه ی **مافیایی** خود که در زمان فرماندهی نیروی انتظامی فراهم کرده بود و نیز برخورداری از مشاوره های پشت پرده، شهردار تهران شد. او از آن پس در تماس هایی با شبکه های **فراماسونی** خارج از کشور که «**ایران پژوهان**» قلابی هم جزئی از آن هستند تلاش کرد تا زمینه های شناساندن توانایی های خود به **شبکه های مافیایی-فراماسونی** را فراهم کند و نشان دهد که به عنوان کسی که دستی بر سپاه و سازماندهی سرکوب اجتماعی و مدیریت مافیا گونه دارد می تواند یک خاتمی دوم برای سرمایه داری جهانی یا حداقل برای **فراماسونری حامی رژیم باشد**.

آخرین شاهکار «ایران شناسان» برای نجات رژیم

در همین راستا بد نیست به تلاش های کاذب یک «ایران پژوه» **فرانسوی** بنگریم. در مصاحبه ی زیر که چندی پیش در روزنامه ی **لوموند** منتشر شد [۱۷] به وضوح سرمایه گذاری بخشی از **دستگاه سیاسی فرانسه بر روی قالیباف** و شرط بندی بر روی اسب **اصولگرایان** برای پیروزی در انتخابات آینده ی ریاست جمهوری اسلامی را می بینیم. پس از مضمونی کلی گویی های بی اساس درباره ی تاریخ و فرهنگ ایران، **برنارد هورکاد** ایران شناس قلابی **فرانسوی** به تدریج روی نکاتی می آید که ماموریت فراعلمی او را نشان داده و ادا و اطوار مسخره «کارشناس و متخصص» او را به پایان می رساند. وی در میانه ی مصاحبه با اشاره به «اصلاح طلبان» می گوید: «**خاتمی** می خواست سیاست { ایران } را نرم سازد نه اینکه رژیم را تغییر دهد.»

وی سپس برای مردم ایران این گونه حکم صادر می کند: « اکثریت عظیم ایرانیان و احزاب سیاسی، حتی اگر حکومت و رژیم را مورد انتقاد قرار می دهند، خواهان یک انقلاب دیگر نیستند.»

دانشمند ایران شناس سفارشی آن گاه برای اثبات نبوغ خیانت پیشگی خویش به مردم ایران در پاسخ به این سوال که هدف این «**راه سوم**» که در **درون نظام آخوندی-پاسداری-**

خبرها

پنجشنبه، ۲۷ تیر ماه ۱۳۸۷

سرکرده سپاه: برای براندازی نظام توطئه کرده اند

سرکرده سپاه پاسداران گفته است از تمام جهات جمهوری اسلامی را در محاصره قرار داده اند.

محمد علی جعفری که در مراسم معارفه فرمانده سپاه پاسداران در آذربایجان غربی سخن می گفت، افزود استکبار با آن قدرت جهانی و با هزاران برنامه ریزی پیچیده و تحمل هزینه های سرسام آور برای براندازی نظام توطئه چینی کرده و در اطراف ما مستقر شده است و جمهوری اسلامی را در محاصره نیروهای نظامی خود قرار داده است.

سرکرده سپاه پاسداران در ادامه سخنانش به بیم و هراسی که در دل سران جمهوری اسلامی نشسته اعتراف کرد و گفت در وضعیت کنونی عده ای در داخل به صورت کاملاً شرم آور ادعا می کنند که در مقابل استکبار باید عقب نشینی کنیم و این جای تاسف دارد.

پنجشنبه، ۲۷ تیر ماه ۱۳۸۷

حمله دستفروشان به جان آمده به مزدوران رژیم در همدان

سایت حکومتی البرز: ماموران سد معبر شهرداری همدان در مجتمع گردشگری گنجنامه همدان به شدت با دست فروش ها درگیر شدند.

معاون سیاسی اجتماعی فرماندار همدان گفت: در این حادثه دست فروشان با چوب و چماق و چاقو به ماموران سد معبر شهرداری حمله ور شدند و حدود سه چهار نفر از آنان را زخمی کردند.

عبدالحسین مرادی افزود: با دخالت ماموران نیروی انتظامی تا کنون حدود ۲۰ نفر از این افراد دستگیر شدند و مابقی آنان هم شناسایی و دستگیر خواهند شد.

پنجشنبه، ۲۷ تیر ماه ۱۳۸۷

اعتراف به تاراج سرمایه های کشور

رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی به سیاستهای ضد ایرانی رژیم و به تاراج دادن سرمایه های کشور اعتراف کرد و گفت در قرارداد خط لوله هند و پاکستان حدود ۴۰۰ میلیارد دلار ما به آنها سوبسید می دهیم و بعد در کشور با فقدان اشتغال لازم یا کمبود شدید گاز مواجه می شویم. البته در

غربی ها. و بی شک به نتیجه ی انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده.»

نتیجه گیری:

در پایان بد نیست یادآور شویم که این «ایران پژوهان» **قلابی** به قدری عرصه ی **تحقیقات علمی** را به **سیاست بازی** آلوده اند که حتی قادر نیستند ذره ای واقع بینانه به آنچه در حال گذشتن است نگاه کنند. امروز همان سرمایه داری جهانی، که این حضرات برای بخش هایی از آن کار می کنند، به این «گزینه های اجباری» رسیده است که برای پایان دادن موقت به **بحران های ساختاری** خویش و آماده ساختن طرح های درازمدت در **آسیای جنوب شرقی** مجبور است به حیات جمهوری اسلامی خاتمه دهد. باید دانست که باند **فراماسونری** حامی رژیم هم چنین، در راستای استراتژی **تعادل** منطقه ای، **حامی رژیم صدام حسین** نیز بود، اما دیدیم که جریان ها و نیازهای دیگر **سرمایه داری جهانی** به حیات حکومت صدام خاتمه داد. در حال حاضر این جریان **فراماسونری** تلاش دارد تا به هر طریق که شده از بروز یک **تهاجم نظامی** به ایران، تا زمان برگزاری انتخابات بعدی ریاست جمهوری در کشور در سال ۲۰۰۹، جلوگیری کند؛ به این امید که در **انتخابات بعدی**، **قالیباف** باند سپاهی های **احمدی نژاد** را کنار بزند و زمینه ی **یک دوم خرداد دیگر** را فراهم کند.

اما بد نیست به این آقایان و خانم های **فرانسوی** و **فراماسون**، که می خواهند به هر قیمت شده به ما ایرانیان **بیاوراند لیاقت** مان از **حد خاتمی** و **قالیباف** بیشتر نیست، بگویم که اگر نبود **دخالت های سی ساله** مستقیم و هدفمند شما برای **حفظ رژیم ضد مردمی** و **ضد ایرانی جمهوری اسلامی**، ملت ایران تا به حال **چندین** بار این رژیم را **به زیر** کشیده شده بود. لیکن با وجود تمام این **پشتبانی** ها، به شما قول می دهیم که **علیرغم** همه ی کوشش های غیر اخلاقی، **ضد ایرانی و ضد انسانی** شما و سایر حامیان اروپایی و غیر اروپایی رژیم، در سایه ی آگاهی، **شجاعت** و **همت** خویش سرانجام **آزادی** را به میهنمان ایران باز می گردانیم.

قالیباف ها و خاتمی های شما را با سایر **فسیل** های رژیم کنونی ایران **به زیاله دان تاریخ خواهیم ریخت** و دست در دست همه ی محرومان و ستمدیدگان ایرانی حق تعیین سرنوشت تاریخی و حفظ کرامت انسانی مان را از شما و رژیم همدستان پس خواهیم گرفت.

به خاطر افت روابط تجاری با این کشور در راستای تحریمات بین المللی، کاهش دادند.

به نوشته تایمز مالی، بنا به گفته دیپلمات ها، انگلستان عملاً فعالیت بخش تجاری خود را در سفارت تعطیل کرده و فرانسه نیز تعداد کارمندان این بخش سفارت خود را به نصف تقلیل داده است.

خبرگزاری ایسنا نیز به نقل تایمز مالی نوشت آرن آترید، دبیر اول امور تجاری و اقتصادی در سفارت انگلیس در ماه جاری ایران را ترک خواهد کرد و این در حالی است که معاون وی مدتی قبل از ایران رفته است.

تحریم های اقتصادی به ویژه محدودیتهای مالی اعمال شده از سوی آمریکا تجارت با رژیم تهران را منع و بانکهای اروپایی را وادار می کند به معاملات با جمهوری اسلامی پایان دهند. اتحادیه اروپا ماه گذشته با اعمال تحریمها علیه بانک ملی این اوضاع را تشدید کرد.

نووستی نوشت ایران با داشتن بیش از ۲۸ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی، یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان از نظر ذخایر گاز است. اما این ذخایر عملاً دست نخورده اند، چرا که کمپانی های غربی تمایل بسیاری به سرمایه گذاری در این کشور نداشته و نگران افزایش تنش ها و تشدید تحریمات از سوی آمریکا هستند که ایران را به تلاش برای ساخت سلاح هسته ای متهم می کند.

آدینه، ۲۸ تیر ماه ۱۳۸۷

برلوسکونی: دستیابی رژیم تهران به بمب اتمی نزدیک است

به گزارش رادیو فردا، نخست وزیر ایتالیا گفته است دیگر تردیدی باقی نمانده که رژیم تهران در جهت مسلح شدن به بمب اتمی گام بر می دارد و دستیابی این رژیم به سلاح اتمی نزدیک است.

آقای برلوسکونی پنج شبه شب در حاشیه مراسم افتتاح بنیاد «مدی ایدا» که توسط جوزپه پیزانو، وزیر کشور سابق ایتالیا بنیانگذاری شده است، اظهار داشت: «مشکل رژیم تهران به شدت ما را نگران ساخته است زیرا تا امروز نتوانستیم تلاش های آنها برای دستیابی به انرژی هسته ای بمنظور استفاده تسلیحاتی را متوقف سازیم.»

نخست وزیر ایتالیا با ادعای اینکه دستیابی رژیم تهران به بمب اتمی نزدیک است افزود: «آن لحظه ای که اسرائیل مطمئن شود جمهوری اسلامی موفق به ساختن بمب هسته ای شده

حوزه سیاست فوایدی را برای این خط لوله بر می شمارند که من خیلی متوجه نمی شوم.

به نوشته روزنامه اعتماد، کمال دانشیار که در مؤسسه دین و اقتصاد سخن می گفت افزود در حوزه ائتلاف انرژی، سالی ۷۰ میلیارد دلار انرژی ائتلاف می شود که علاوه بر آنکه نفعی ندارد، موجب آلودگی هوا، و تخریب محیط زیست خواهد شد. در حال حاضر حدود ۲۰ مخزن مشترک با همسایگان داریم که چون به صورت رقابتی درآمد هر دو طرف به مخازن گازی ضربه می زنند. میزان فروش نفت در سالهای پس از انقلاب حدود ۸۰۰ میلیارد دلار بوده است اگر اقتصاد سالم و کارآمدی شکل گرفته بود، حداقل سالی ۱۰ درصد بازدهی داشتیم یعنی ۸۰ میلیارد دلار باید سود نصیب کشور می شد. کارخانه ساخته ایم اما به جای گرفتن مالیات سوبسید می دهیم که تعطیل نشود.

آدینه، ۲۸ تیر ماه ۱۳۸۷

فرانسه از شرکتهای نفتی خواست رژیم تهران را تحریم کنند

به گزارش خبرگزاری فرانسه، وزیر امور خارجه این کشور در باره مذاکرات هسته ای کشورهای عضو گروه ۵+۱ با نماینده جمهوری اسلامی که قرار است فردا شنبه در ژنو برگزار شود، گفت نمی تواند چیزی را پیش بینی کند.

برنارد کوشنر که کشورش ریاست دوره ای اتحادیه اروپا را برعهده دارد، در یک کنفرانس مشترک مطبوعاتی با همتای اتریشی خود در وین گفت پیش از این شورای امنیت سازمان ملل سه قطعنامه صادر کرده و تحریمهایی را علیه رژیم تهران به اجرا گذاشته تا فعالیتهای غنی سازی اورانیوم را تعلیق کند، اما نتیجه ای نداشته است.

کوشنر با بیان اینکه فرانسه و به طور مشخص شرکتهای نفتی فرانسوی، سرمایه گذاری در ایران را به حال تعلیق درآورده اند، از کشورهای دیگر خواست از این رویکرد پاریس در برابر رژیم تهران دنبال روی کنند.

وزیر امور خارجه فرانسه پیش تر گفته بود شانس موفقیت مذاکرات هسته ای با رژیم تهران اندک است.

آدینه، ۲۸ تیر ماه ۱۳۸۷

سفارت انگلستان در تهران فعالیت بخش تجاری خود را تعطیل کرد

۲۸ تیر، خبرگزاری «نووستی» / سفارتخانه های فرانسه و انگلستان در تهران به طور ناگهانی فعالیت بخش تجاری خود را

روز گذشته به گفته رادیو سراسری اسرائیل، اهود المرت، نخست وزیر این کشور در دیدار با باراک اوباما، نامزد حزب دموکرات آمریکا برای انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرده که برپایه ارزیابی های اسرائیل، رژیم تهران تا پایان سال ۲۰۰۹ میلادی به سلاح هسته ای دست پیدا خواهد کرد.

سناتور اوباما نیز گفته است رژیم تهران یک تهدید بشمار می رود و به هر شکل ممکن باید مانع دستیابی آنها به سلاح اتمی شویم.

آدینه، ۴ مرداد ماه ۱۳۸۷

درگیری گروهی از مردم شیراز با پرسنل مرکز زرهی ارتش

شماری از ساکنان منطقه احمدآباد پشم شیشه شیراز و گروهی از پرسنل مرکز زرهی ارتش، روز پنجشنبه با یکدیگر درگیر شدند.

به گزارش واحد مرکزی خبر، این درگیری به علت اختلاف ملکی بر سر حدود مالکیت ۳۰ هکتار زمین زراعی در جنوب منطقه احمدآباد پشم شیشه شیراز بین اهالی محلی و ۱۰۰ نفر از نیروهای مرکز آموزش زرهی شیراز رخ داد.

در این درگیری که به مدت دوساعت ادامه داشت سه نفر از اهالی منطقه احمدآباد پشم شیشه بصورت سطحی مجروح شدند که یکی از این افراد با اورژانس به بیمارستان منتقل شد. به گفته ساکنان محلی درگیری هنگامی آغاز شد که نیروهای مرکز زرهی با ادوات نظامی وارد محدوده ملک مورد اختلاف شدند و قصد تسطیح آن را داشتند.

اهالی این منطقه می گویند: با شروع جنگ ایران و عراق، ارتش این اراضی را برای مدت ۵ سال برای اجرای تمرین نظامی از آنان اجاره کرد اما پس از این مدت، مدعی مالکیت بر این اراضی شده است.

آدینه، ۴ مرداد ماه ۱۳۸۷

کاهش تولید بنزین در پالایشگاههای آبادان و اصفهان

به دلیل کاهش تولید بنزین در پالایشگاه های آبادان و اصفهان واردات بنزین به ایران به میزان ۶۰ هزار بشکه در روز افزایش یافته است.

به گزارش فارس به نقل از رویترز، میزان واردات بنزین ایران به منظور جبران کاهش تولید پالایشگاههای نفتی این کشور طی سه ماه چهارم امسال افزایش یافته است.

ایران قصد دارد طی سه ماه پایانی امسال در برخی از پالایشگاههای خود از جمله پالایشگاه آبادان عملیات تعمیر و

است، دیگر کسی نخواهد توانست این کشور را از حمله نظامی بازدارد.»

وی گفت: « اگر در فرصت کم باقیمانده رژیم تهران را خلع سلاح اتمی نکنیم، فاجعه ای با ابعاد نگران کننده رخ خواهد داد.»

چهارشنبه، ۲ مرداد ماه ۱۳۸۷

کارگران لاستیک البرز بخشی از کارخانه را به آتش کشیدند

ایلنا: اعتراضات کارگران کارخانه لاستیک البرز امروز شکل دیگری به خود گرفت.

پس از ۱۳ روز بی توجهی به اعتراضات کارگران کارخانه لاستیک البرز این افراد دست به اقدام جدیدی زدند.

کارگران این کارخانه صبح امروز قسمتی از کارخانه را که در جاده ساوه واقع شده است، به آتش کشیدند و در این منطقه تجمع کردند.

به گفته‌ی یکی از کارگران، تعداد این افراد به ۶۰۰ نفر می‌رسید و اعتراض خود را به شیوه‌ای جدید نشان می‌دادند.

وی افزود: چنانچه شکل امروز این اعتراض‌ها به نتیجه نرسد، این کارگران برای نشان دادن اعتراض خود جلوی درب مجلس تجمع خواهند کرد.

پنجشنبه، ۳ مرداد ماه ۱۳۸۷

بحران هسته ای؛ اسرائیل باید برای همه گزینه ها آماده شود

به گزارش خبرگزاری فرانسه از اورشلیم، رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل اعلام کرد این کشور باید برای استفاده از همه گزینه ها بمنظور متوقف کردن برنامه تسلیحات هسته ای رژیم تهران آماده شود.

ژنرال گابی اشکنازی که هم اکنون برای گفتگو با مقامات آمریکایی در واشنگتن بسر می برد، در مصاحبه با رادیو سراسری اسرائیل گفت ما نیز همانند ایالات متحده بر این باوریم که رژیم تهران نباید به سلاح هسته ای دست یابد و اولویت برای رسیدن به این هدف، دیپلماسی و اعمال تحریمهای بین المللی است. اما همه درک می کنند که ما همزمان باید برای تمام گزینه ها آماده باشیم.

رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل روز گذشته با دیک چنی، معاون رئیس جمهور آمریکا دیدار و گفتگو کرده است و قرار است امروز با همتای آمریکایی خود آدمیرال مایکل مولن نیز گفتگو کند.

به گزارش روزنامه دیلی تلگراف چاپ انگلستان، این انفجار چند روز پیش در انبار مهمات سپاه پاسداران در خاورشهر رخ داده است.

گمان می رود انفجار در محموله ای از مهمات که برای گروه تروریستی حزب الله لبنان آماده شده بود رخ داده است.

هر چند صدای انفجار در بیشتر مناطق تهران شنیده شده است ولی سپاه پاسداران از درج هرگونه خبر در مورد این انفجار جلوگیری کرده و بنابراین هیچ خبری در رسانه های ایران در این زمینه دیده نمی شود.

با این وجود منابع غربی گفته اند که خبر انفجار را بدست آورده اند که در روز ۱۹ ژوئیه رخ داده و سپاه پاسداران در مورد علت آن تحقیق می کند.

به گفته این منابع صدای یک انفجار قوی در تهران شنیده شده و با وجود مرگ شمار زیادی از سربازان، سپاه پاسداران جلوی درز خبر آن را گرفته است.

گفته می شود که رژیم تهران اخیرا برای مقابله با حمله احتمالی اسرائیل، حزب الله لبنان را بیش از گذشته تجهیز می کند.

ظاهرا سپاه پاسداران فرضیه خرابکاری را در مورد این انفجار بررسی می کند.

در ماه های گذشته شماری انفجارهای مرموز در ایران رخ داده است از جمله انفجار در یک حسینه در شیراز که نمایشگاه مهمات جنگی در آن برگزار شده بود و همچنین انفجار در یک سایت موشکی که باعث کشته شدن ده ها تکنسین موشکی شد.

ماه گذشته سیمور هرش، روزنامه نگار مشهور آمریکایی در مقاله ای جنجالی نوشت که رئیس جمهور آمریکا بیش از ۴۰۰ میلیون دلار برای براندازی رژیم تهران در نظر گرفته که صرف ماموریت های محرمانه برای بی ثبات کردن جمهوری اسلامی می شود.

یکشنبه، ۶ مرداد ماه ۱۳۸۷

بحران هسته ای؛ سفر وزیر خارجه ایتالیا به آمریکا

ایتالیا از تحریم های سخت تر علیه رژیم تهران حمایت می کند.

روزنامه واشنگتن تایمز با اعلام این خبر نوشت فرانکو فراتینی، وزیر خارجه ایتالیا که قرار است هفته آینده به واشنگتن سفر کند، حمایت کشورش را از تحریم های سخت تر علیه رژیم

نگهداری انجام دهد. ایران باید به منظور جبران کاهش تولید پالایشگاه های خود روزانه ۶۰ هزار بشکه بنزین بیشتر وارد کند.

میزان واردات بنزین ایران در این مدت ممکن است حتی به بیش از ۱۷۵ هزار بشکه در روز برسد. این رقم در حالت عادی روزانه ۹۵ تا ۱۱۵ هزار بشکه است.

به دلیل عملیات نگهداری و تعمیر فعالیت بخشی از پالایشگاه آبادان از اواخر اکتبر به مدت ۳۰ تا ۴۰ روز متوقف خواهد شد که این مساله موجب کاهش ۱۸۰ هزار بشکه ای تولید بنزین می شود.

بخشی از تولید پالایشگاه اصفهان نیز از اوایل اکتبر متوقف خواهد شد.

آدینه، ۴ مرداد ماه ۱۳۸۷

نتانیاهو بیشترین بخت را برای جانشینی اولمرت دارد

به گزارش خبرگزاری فرانسه از اورشلیم، نتایج نظرسنجی ها در اسرائیل نشان می دهد شهروندان این کشور بنیامین نتانیاهو رهبر راست گرای اپوزیسیون را بهترین گزینه برای احراز مقام نخست وزیری در صورت برگزاری انتخابات زودهنگام می دانند.

بنا بر این گزارش، ۴۱ درصد اسرائیلی ها معتقدند نتانیاهو بهترین گزینه برای اداره اسرائیل است در حالیکه در نظرسنجی های ماه مه تنها ۳۴ درصد اسرائیلی ها بر این عقیده بودند.

۱۴ درصد افراد شرکت کننده در این نظرسنجی نیز ابراز امیدواری کرده اند اهود باراک، وزیر دفاع از حزب کارگر اسرائیل نخست وزیر شود و حدود ۶ درصد نیز امیدوارند اهود اولمرت نخست وزیر کنونی که با مسایل گسترده قضایی روبروست، دوباره نخست وزیر شود.

نظرسنجی در حزب کادیما وابسته به اهود اولمرت نیز نشان داده است در خود این حزب تزیبی لیونی وزیر امور خارجه اسرائیل بیشترین طرفدار را برای جانشینی اولمرت دارد هر چند میدان عملش در مقابل شائول مفاز وزیر حمل و نقل بسیار کم شده است.

آدینه، ۴ مرداد ماه ۱۳۸۷

انفجار مرموز در یکی از مراکز سپاه پاسداران در تهران

انفجار مرموز در یکی از مراکز سپاه پاسداران در تهران دست کم ۱۵ کشته و شمار زیادی زخمی برجای گذاشت.

اعلام نگرانی عمیق می نماید. متأسفانه در سالهای اخیر در ایران تعدادی بطور دسته جمعی اعدام گردیدند، این امر تا آنجا پیش رفته که مع الاصف، ایران از لحاظ تعداد اعدام شدگان در جهان رتبه دوم را دارا می باشد.

ثانیا: صرفنظر از ماهیت اعمال ارتكابی، نحوه دستگیری و محاکمه، مرجع صالح و مراحل دادرسی و حق داشتن وکیل، از جمله حقوق مسلم متهمین بوده که هیچ مقامی حق سلب آن از متهمین را نداشته و در صورت وقوع، متخلف قابل تعقیب خواهد بود. به نظر می رسد اعدام شدگان از سیستم دادرسی منصفانه بی بهره بوده اند.

کانون مدافعان حقوق بشر بنا بر اهداف خود در دفاع از حقوق بنیادین انسانی با نوع مجازات اعدام مخالف بوده و معتقد است به تبعیت از سازمان ملل متحد، اعدام باید از فهرست مجازات تمامی کشورها حذف گردد، زیرا اعمال مجازات اعدام هیچ تأثیری در کاهش جرم نداشته، بلکه در دراز مدت موجب تشدید مجازات خواهد گردید.

کانون مدافعان حقوق بشر ۷/۵/۱۳۸۷

یکشنبه، ۱۳ مرداد ماه ۱۳۸۷

نیاز به ۸ میلیارد دلار دیگر برای واردات بنزین اسمال

ایرنا: معاون وزیر نفت تصریح کرد، در صورت نیاز به واردات بیشتر بنزین و نفت گاز، با احتساب میانگین قیمت های جهانی بنزین در سه ماه گذشته، به هشت میلیارد دلار دیگر اعتبار تا پایان سال ۸۷ نیاز است و اگر قیمت ها کاهش یابد این رقم نیز کاهش خواهد یافت.

محمدرضا نعمت زاده روز شنبه در حاشیه اولین همایش ملی سی ان جی و نمایشگاه صنایع وابسته ضمن اظهار این مطلب در جمع خبرنگاران اظهار داشت: وزارت نفت درباره متمم بودجه واردات بنزین و نفت گاز پیشنهاد خود را ارایه کرده است، اما در نهایت باید دولت و مجلس تصمیم گیری کنند.

وی درباره جمع آوری تلمبه های توزیع بنزین سوپر در برخی جایگاهها افزود: با تصمیم ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت مبنی بر افزایش قیمت بنزین سوپر، به طور طبیعی مصرف آن با کاهش رو به رو شد که به دنبال آن استفاده از بنزین عادی افزایش پیدا کرد. به گونه ای که مصرف بنزین سوپر از حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار لیتر در روز به ۲۰۰ هزار لیتر کاهش یافت.

نعمت زاده با اشاره به اینکه به دلیل افزایش تقاضا برای بنزین عادی برخی جایگاهها اقدام به تبدیل تلمبه های بنزین

تهران به منظور متوقف کردن برنامه تسلیحات هسته ای اعلام خواهد کرد.

به نوشته این روزنامه، وزیر امور خارجه ایتالیا به دولت آمریکا اطمینان خواهد داد که رم یکی از قوی ترین متحدان واشنگتن است.

دوشنبه، ۷ مرداد ماه ۱۳۸۷

ترکیه؛ بررسی انحلال احتمالی حزب حاکم

خبرگزاری فرانسه در گزارشی از آنکارا نوشت قضات دادگاه قانون اساسی ترکیه امروز برای اعلام نظر در باره انحلال احتمالی حزب حاکم عدالت و توسعه تشکیل جلسه دادند.

خبرگزاری رسمی ترکیه (آناتولی) اعلام کرد یازده قاضی دادگاه قانون اساسی ترکیه صبح امروز گردهم آمدند و قرار است تا زمانی که به یک حکم واحد در این زمینه دست یابند به جلسات خود ادامه دهند.

دادستان دادگاه استیناف ترکیه اعلام کرده حزب حاکم عدالت و توسعه متهم به اقدام بر ضد نظام لاییک این کشور شده است و به همین علت فعالیت آن باید متوقف شود.

دستگاه قضایی ترکیه خواستار انحلال حزب و ممنوعیت فعالیت هفتاد و یک نفر از اعضای آن از جمله رجب طیب اردوغان نخست وزیر و عبدالله گل رئیس جمهور این کشور در یک حزب سیاسی به مدت پنج سال شده است.

ناظران گفتند انحلال احتمالی حزب حاکم ترکیه ممکن است این کشور را با تنش های بیشتر سیاسی و برگزاری انتخابات زود هنگام روبرو سازد.

دوشنبه، ۷ مرداد ماه ۱۳۸۷

جعل عناوینی مانند ارادل و اوباش برای اعدام افراد

کانون مدافعان حقوق بشر با صدور اطلاعیه ای به اعدام ۲۹ نفر در زندان اوین واکنش نشان داد. متن اطلاعیه به شرح زیر است:

هموطنان عزیز

بنا بر اخبار نشر شده در تاریخ ۶/۵/۱۳۸۷، ۲۹ نفر در زندان اوین به دار آویخته شدند. برابر اظهارات مسئولین قوه قضائیه، قتل عمد، تجاوز، سرقت مسلحانه و... تحت عنوان ارادل و اوباش از اتهامات مطروحه بوده است.

اولاً: از جعل عناوینی مانند ارادل و اوباش نظر به اصل قانونی بودن جرم و مجازات و فقدان عنوان فوق در مسائل کیفری

مدنی که پیش از این سازمان عفو بین الملل و تشکلات متعدد فعال در زمینه حقوق بشر درخواست توقف حکم نامبرده را نموده بوده اند، بالاخص با توجه به سیر قضایی مبهم پرونده وی و همچنین مدعیات نامبرده مبنی بر تحت شکنجه قرار گرفتن در زمان بازداشت مطمئناً فصل الخطاب و پیام مرگ آفرینی برای سایر فعالان مدنی بالاخص محکومین به اعدام چون هیوا بوتیمار، عدنان حسن پور، فرزاد کمانگر و انورحسین پناهی خواهد بود.

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران ضمن محکوم نمودن اعدام این فعال مدنی تحت تاثیر جریانات سیاسی در حالی که پرونده مبهم نامبرده امکان بررسی مجدد را داشت، سازمانهای مدافع حقوق بشر را به واکنش قاطعانه در قبال احکام اعدام بالاخص در مورد فعالان سیاسی و مدنی فرا می خواند

سه شنبه، ۱۵ مرداد ماه ۱۳۸۷

پرتاب نارنجک به منزل یکی از فرماندهان انتظامی

منزل فرمانده نیروی انتظامی شهرستان ایوان غرب دیشب با پرتاب نارنجک صوتی مورد حمله قرار گرفت. بگزارش البرز این حمله دقیق پایانی شب صورت گرفته و صدای انفجار ناشی از آن ساکنان محل را وحشت زده کرد.

یک منبع با تأیید این خبر گفت: این اقدام ضد امنیتی که خوشبختانه با تلفات جانی همراه نبود منجر به شکسته شدن تعدادی شیشه ساختمان مسکونی فرمانده نیروی انتظامی شهرستان ایوان و همسایگان نزدیک شد. در پی انفجار مأموران امنیتی در محل حاضر شدند و در تعقیب عامل یا عاملان حادثه هستند.

در پی حادثه هفتم اردیبهشت ماه امسال شهرستان ایوان و کشته شدن سه دانش آموز در اعتراض به نتیجه انتخابات، برخی از مردم و گروههای سیاسی سرهنگ مهدی محمد کریمی فرمانده نیروی انتظامی شهرستان ایوان غرب را از مسببان بروز این حادثه می دانند.

فرزندان ایرانزمین در تکثیر و پخش این نشریه ما را یاری خواهند کرد.

Organisation PARS
B.P 6593
75065 Paris Cedex 2 – France

www.sazmanepars.com

Email : sazmanepars@aliceadsl.fr
iran-info@aliceadsl.fr

سوپر به بنزین عادی کردند، ابراز امیدواری کرد بتدریج مصرف بنزین سوپر به حالت قبل برگردد.

وی در خصوص صف های طویل در جایگاه های عرضه بنزین گفت: شب گذشته شخصا به یک جایگاه رفتم و فقط یک خودرو جلوتر از من بود!

دوشنبه، ۱۴ مرداد ماه ۱۳۸۷

مرگ هفت نفر در بیمارستان تجریش در اثر قطع ناگهانی برق

قطع ناگهانی برق در بیمارستان شهدای تجریش باعث مرگ ۷ نفر شد. این بیماران نیاز به عمل جراحی خیلی مهمی داشتند. رژیم از انتشار این خبر در رسانه های حکومتی جلوگیری کرده است. سایت پارسینه: هفته گذشته ۷ نفر در بیمارستان شهدای تجریش در اثر قطع برق جان باختند.

یکی از این افراد ظاهراً به علت نیاز به شوک الکتریکی و قطعی برق در آن زمان، فوت کرده است.

شایان ذکر است انتشار این خبر با محدودیت ویژه ای مواجه گردیده و برای مدتی کوتاه در سایت عصرایران قرار گرفت و سپس برداشته شد.

دوشنبه، ۱۴ مرداد ماه ۱۳۸۷

جمهوری اسلامی فعال مدنی بلوچ را اعدام کرد

فعالان حقوق بشر در ایران

بنابر گزارشات دریافتی، یعقوب مهرنهاد، روزنامه نگار و دبیر انجمن « جوانان صدای عدالت » سحرگاه روزجاری در زندان مرکزی زاهدان اعدام گردید. مهرنهاد که در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۶ بازداشت و پروسه ای پر ابهام قضایی را طی نموده بود نهایتاً در ۲۲ بهمن سال گذشته حکم اعدام خود را از دادگاه انقلاب زاهدان دریافت نمود.

وی به عنوان یک فعال مدنی و روزنامه نگار که دارای سابقه متعدد و مطالب مندرجی در روزنامه های مختلف محلی و کشوری می باشد همچنین دبیر « انجمن جوانان صدای عدالت » بود که بعنوان نهادی مدنی، مستقل و مردمی با اخذ اعتبارنامه از سازمان ملی جوانان از سال ۱۳۸۱ فعالیت خود را آغاز کرد. این انجمن که از دانشجویان و جوانان سیستان و بلوچستان تشکیل گردیده بود، در جهت ارتقا سطح آموزشی و فرهنگی مردم استان و کمک به مردم محروم و فقیر تلاش می نمود.

علیرغم اینکه حکومت ایران رتبه دوم از لحاظ آماری و رتبه اول به لحاظ درصد اعدام به تناسب جمعیت در جهان را دارا می باشد، اما اعدام یعقوب مهرنهاد به عنوان روزنامه نگار و فعال